

سال دوم دوره دوم

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

سه شنبه ۲۰ خرداد ۵۹ شماره ۶۲ تک شماره ۱۰ ریال

خواستهای کارگران صنایع فولاد اهواز

واحدکارگری حزب رنجبران ایران (اهواز) درارتباط با مسائل مشکلات و خواستههای کارگران صنایع فولاد اهواز اعلامیهای منتشر کرده است که در زیر ملاحظه میکنید:

پس از گذشت بیش از ۱۶ ماه از انقلاب اسلامی ایران علیرغم تاءکیدات مکرر رهبر کبیر انقلاب مبنی بر پاسخکوئی به خواستههای مستضعفین، درگوشه وکنار وطنمان مشاهده میکنیم، مسئولین امور بی توجه به کار خود مشغولند، شرکت ملی صنایع فولاد اهواز، از زمره کارخانجاتی است که پس از پیروزی

انقلاب دستخوش تلاطم بسیار بوده تا به امروز ادامه داشته است. اخیراً مواردی در این مجتمع عظیم که سالیانه میلیاردها تومان از بیت المال مردم خرج آن میشود دیده شده که نمیتواند در جهت خواستههای کارگران و تحکیم موقعیت انقلاب در اوضاع حساس کنونی باشد، از آن جمله:

اخراج بی رویه وبدون ضابطه کارگران وتکنسین ها بدون تمایز گذاری.
دشمنی باشورای کارگران که تنها مرجع برای تحقق خواستههای آنان میباشد.

نداشتن کفش، کلاه، لباس ودست کش وسایر وسائل ایمنی. مواردی از سانحه در اثر عدم دسترسی به وسیله ایمنی کار در کارخانه دیده شده است.
عدم رسیدگی به مسائل صنفی کارگران از آنجمله دفترچه بیمه، خوراک گرم در طول روز. محدود کردن مرخصی وکم کردن مزایای کارگران.

تاکنون این سومین بار است که مدیریت کارخانه عوض میشود و این مسائل همچنان برجای خود باقی است. ماجبهت پشتیبانی از خواستههای بحق کارگران که ستون اصلی انقلاباند وبخاطر ادامه آن علیه ابرقدرتهای جهانخوار آمریکا و روسیه وعمالشان بقایای رژیم منفور شاه مخلوع وباندکیانوری حزب توده، موارد زیر را مقرر " وسریعا " خواستاریم:

۱- جلوگیری از اخراج بی رویه وبدون تمایزگذاری کارگران و بقیه در صفحه ۲

گرانی بیداد میکند

تب گرانی به این زودیها فروکش نمیکند

میداد. توفانی که میتواند در چار چوب ضوابط انقلاب ودولت انقلاب، بساط محتکرین وسرمایهداران رابه هم ریزد.

دکتر علی رشیدی، دبیر انجمن اقتصاددانان و یکی از کارشناسان بانکی کشور اخیراً اعلام داشته است که تورم در سال جاری به ۵۰٪ میرسد. وی همچنین ضمن اشاره به افزایش قیمتتها، اعلام کرد که افزایش قیمت حدود ۲۰ قلم از کالاهای ضروری مصرفی از شهریور ۵۷ تا فروردین ۵۹ نزدیک به ۸۰٪ شده است. دکتر رشیدی افزود که در ۱۱ ماه اول سال ۵۸ افزایش شاخصهای عمده فروش ومواد غذایی بترتیب ۱۸/۵ و ۲۱/۵ درصد بوده است. بقیه در صفحه ۵

نکنید، انقلاب در خطر است. " مردم صبر انقلابیشان هر چند هنوز تمام نشده اما دیگر دارند خودشان عمل میکنند. در چند هفته اخیر چندین حرکت خودبخودی توده ای در اعتراض به گرانی فروشی بر خاسته، که یک نمونه آن، تعطیل یکی از بازارهای روز تهران بود. بی شک این نسیمی بود که خبر از بر خاستن توفان

در سراسر کشور گرانی بیداد میکند زحمتکشان طاقتشان بسر می رسد. محتکرین و گرانفروشان دارند آب را گل آلودتر میکنند تا ماهی بیشتری بگیرند. دولت در این میان یک تماشاچی است. گاهی به سرمایه داران ومحتکرین نصیحت میکند که "ای آقایان گرانفروشان بیائید وبه مردم رحم کنید، اینقدر گرانفروشی

نه شرقی نه غربی از ادعا تا اعتقاد

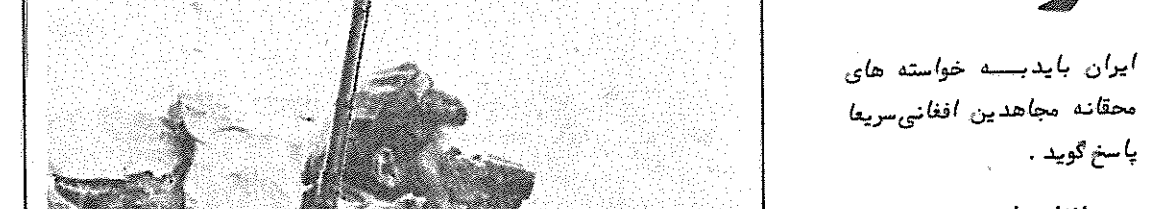
کار جدالهای میان جناح های حاکم به جای باریک کشیده است. سرمقاله های "انقلاب اسلامی" و "جمهوری اسلامی" و مصاحبه های اخیر رئیس جمهور و رهبران حزب جمهوری اسلامی گواه بارز این جدال خشمگین است. مردم از خود می پرسند این دشمنی چرا؟ چرا اینان با سلاح بر چسبیده بگذر می تازند؟ چرا نمیتوانند در حین مبارزه اصولی سیاسی، با یکدیگر متحد شوند؟ اتحادی که منافع انقلاب و استقلال کشور ما بدان نیاز مبرمی دارد. در این جدال بزرگ مساله معیارهای نخست وزیر آینده یکی از مسائل مرکزی است. روزنامه "جمهوری اسلامی" در سرمقاله روز شنبه ۱۹ خرداد خود، با امضای "ابوزینب" ۲۰ معیار در این مورد ارائه میدهد. قرائت این معیارها

مجلس باید هر چه سریعتر کار اساسی خود را آغاز کند

یکی از افتخارات انقلاب اسلامی این است که در یکسال اول پس از انقلاب شش بار مراجع به آراء عمومی برای تعیین وتشبیت نهاد های جمهوری اسلامی انجام گرفته است. اما آیا این نهادهای منتخب به ادا راه امور کشوری پردا زندو بر آن حاکمیت دارند بانگهای مختصر به اوضاع کشور ومواضع و عملکرد جناحهای حاکمین و خصوما مجسادات کنونی میتوان فهمید که در همه موارد چنین نیست و آنچه که حکومت میکند همان مراکز متعدد قدرت و خودکامگی، دعاواها وقدرت طلبیهای جناحها و نیروهای حاکم است.
امروز مجلس به صحنه ایین جدالهای گروهی تبدیل شده و شواهد نشان میدهد که تا مدتها این جدالها مشغولیات اصلی بقیه در صفحه ۲

« از اپورتو نیسم چریکی » تا « انتر ناسیو نالیسم سوسیال امپریالیستی »
بررسی نظرات اکثریت و اقلیت در « سازمان چریکها »
در صفحه ۴
شمشیر چوبین « پیکار » علیه امپریالیسم
در صفحه ۴

افغانستان: تدارک برای نبرد بزرگ



ایران باید به خواسته های محقانه مجاهدین افغانی سریعا پاسخ گوید.

بسط روابط بازرگانی با ترکیه، هند و رومانی
یک نمونه خوب از همکاری با کشورهای

دست کم شگفتی انسان را بر می انگیزد: شگفتی از اینکه فاصله میان آدمها و اعتقاد تا چه اندازه میتواند بزرگ باشد.

ما از سه معیار اول که کلی است و مورد قبول همگان می گذریم. درباره معیار چهارم نیز که از نخست وزیر آینده میخواهد وابسته به یک جریان فکری مشخص باشد تا کابینه... از انسجام کافی برخوردار باشد. نیز بحث نمی کنیم. در حقیقت بحث در این مورد مستلزم این است که بدانیم اولاد کدام "جریان فکری مشخص" در جامعه ما وجود دارد که خودش از "انسجام کافی" برخوردار باشد. و تائید بر فرض وجود چنین جریان فکری، مساله پشتیبانی سایر جریان های فکری از کابینه منسجم نخست وزیر "جریان فکری مشخص" چه میشود (برای "ابوزینب" گویا مساله پشتیبانی سایر جریان های فکری واتحاد آنان مطرح نیست).

اما یک مساله مرکزی این معیارهای ۲۰ گانه سرمقاله نویس "جمهوری اسلامی" مسائل مربوط به ارتباط با شرق و غرب است. در معیار ۶ "ابوزینب" اظهار میدارد: "نخست وزیر جدید ایران حتی المقدور تحصیل کرده غرب نباشد". پر واضح است که این معیاری بکلی انحرافی است. زیرا تحصیل علوم و فنون غرب نه تنها اشکالی ندارد بلکه برای هر فرد انقلابی حتی ضروری است. و این با روحیه تمایل به سرمایه داری غرب و امپریالیسم و شیفتگی نسبت به مظاهر منحن تمدن غربی بکلی متفاوت است.

در مورد "شرق"، اظهار نظرهای "ابوزینب" که خود را "نه شرقی نه غربی" معرفی میکند از اینهم حیرت انگیز تر است. وی دشمنی ملت ما را با آمریکا "دشمنی بنیادی" میداند. لکن در مورد "شرق" میگوید: "در عین حال اگر بلوک شرق بخواهد با ما از در دشمنی وارد شوند، ما در لزوم مقابله بمثل تردیدی نخواهیم کرد". توگویی که هم اکنون "شرق تجاوزگر" یعنی شوروی در حال حاضر با مادشمنی ندارد. "ابوزینب" این ابر قدرت جهانخواه را که بهترین مقاصد سوم توسعه طلبانه و تجاوزگرانه را علیه میهن ما نه تنها طراحی بلکه بتدریج اجرا نیز میکند، تلویحا در زمره دوستان ما قرار میدهد و در خاتمه با لحن معنی داری اضافه میکند: "هرچند در همه حال صلح و دوستی را دوست داریم". (!!!)

"ابوزینب" در توضیح بیشتر درک خود از رابطه با شرق مینویسد: "مثلا در بلوک شرق ما میتوانیم با کشورهای نظیر یمن جنوبی بیشتر رابطه برقرار کنیم و تنگه باب المندب را بصورت طناب دار امپریالیسم در آوریم". این توضیح البته بسیار روشنگر اعتقادات واقعی سرمقاله نویس جمهوری اسلامی است. بعقیده او، جمهوری اسلامی ایران باید با یمن جنوبی که عضو رسمی پیمان ورشو است، که قرارداد دوستی بلند مدت استثنایی (از نوع قرارداد های "دوستی" با ویتنام و کوبا) با شوروی دارد، که رژیم آن محصول یک کودتای روسی است، که پایگاه نظامی عربی و طویل شوروی در منطقه بوده و قرار است پس از ویتنام و کوبا نقش سومین زاندارم منطقه ای شوروی را بازی کند، "بیشتر رابطه برقرار کند". آیا ابوزینب نمیداند، و وظیفه اصلی یمن جنوبی این است که تنگه باب المندب را به طناب دار امپریالیسم آمریکا و پلکان صعود سوسیال امپریالیسم شوروی تبدیل کند؟ حال باید از "ابوزینب" پرسید چرا نخست وزیر آینده ایران باید وظیفه داشته باشد با این مهتره شوروی در منطقه "بیشتر رابطه برقرار کند" و باتفاق آن امپریالیسم آمریکا را به زیر آورد و امپریالیسم روسیه را بر مقدرات منطقه حاکم سازد؟ آیا این است مفهوم مبارزه با شوروی در عین مبارزه با آمریکا؟ آیا این بقول خودتان خط ارتباط با شرق نیست؟

پیدا است که در پوشش خط "نه شرقی، نه غربی"، ابوزینب خط گرایش به شرق را بصورت حادی مطرح میکند و این خط با آن خطی که در روزنامه جمهوری اسلامی قاطعانه علیه شوروی و عامل بومی آن (دارودسته کیانوری) و نیروهای سیاسی و مذهبی متمایل به شرق مبارزه میکند متفاوت است. روشن است که اساس و هسته مرکزی اختلافات و جدالهای میان جناح های مختلف نیز به همین اختلاف در تفسیر و درک از شعار "نه شرقی نه غربی" بر میگردد، اختلافاتی که میتواند بصورت اصولی و بدون توسل به شیوه های تخریبی برجسب زنی در مجرای صحیح و در جهت حفظ و تقویت وحدت ملی مطرح شوند.

یک نتیجه گیری: هر چقدر در درون خلق اختلاف گسترش یابد، و در درون حاکمین اسلامی ما به نفاق و چند دستگی منجر گردد، ابر قدرت های آمریکا و شوروی شرایط را برای اخلاص و سوء استفاده فراهم تر خواهند دید. آنوقت در شرایطی که توده ها هر روز از وضع ناراضی ترمیشوند، از جناح بندی ها دور می گردند. جناح ها متاسفانه برای از پا در آوردن رقیب، مجبور میشوند از شیوه های بوروکراتیک و ضد مردمی استفاده نموده و به این یا آن ابر قدرت تمایل کنند. ابوزینب در این سرمقاله در حالتی دفاعی در برابر رئیس جمهور چشمکی به شرق میزند. عاقبت این جدال ها بخیر باد!

استقلال طلب برای باز سازی اقتصاد کشور

در پی تحریم اقتصادی ایران از طرف آمریکا، دولت ایران برای تامین نیازهای صنعتی، کشاورزی غذایی و... کشور اقدام به یافتن بازارهای جدید برای خرید کرده است. از جمله این اقدامات عقد یک سلسله قراردادهای و معاهدات بازرگانی با کشورهای هند، رومانی و ترکیه است. دولت بامبادله این قرار دادها علاوه بر تامین بسیاری از نیازهای کشور نظیر گندم، گوشت، کود شیمیایی، مواد اولیه و لوازم یدکی صنعتی و... میتواند کالا های غیر نفتی و سنتی خود را که غرب از خریدن آنها خود داری کرده است به این کشورها بفروشد.

دربین این کشورها روابط ایران با رومانی وسیعاً بسط یافته بقیه در صفحه ۶

شمشیر، این هفته چهره های دیگری خود گرفت. موج مقاومت و مبارزه مسلحانه، اعتصابات وسیع، تعطیل عمومی ادارجات، شورش سربازان دولتی تدارک برای مبارزه ی بزرگ در کابل و... همگی حاکی از حدت یابی جنگ کبیر میهنی خلق افغانستان علیه تجاوز فاشیستی ارتش سوسیال امپریالیسم روسیه میباشد.

از شکست تهاجم بهار ارتش روسیه به ایالت کونار و بدخشان از اعتصابات و تظاهرات خونین مردم شهر کابل در اردیبهشت ماه تا پیشروی مجاهدین به هرات و کابل و قندهار در هفته گذشته، بار دیگر نشان دادند که در مقابل منطق زور و منطق مشت سوسیال امپریالیسم، فقط و فقط منطق مقاومت و مبارزه، و منطق جنگ مسلحانه توده های حاکم است. و از این طریق است که میتوان ارتش تا بدندان مسلح روس ها را درهم شکست و پیروزی در جبهه استقلال و جبهه جنگ میهنی را قدم بقدم کسب و حفظ نمود.

ولی امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم با سانی به شکست خود تن در نخواهند داد و منطق فاشیستی آنان حکم میکند که تا آخرین لحظاتی بقیه در صفحه ۲



مجاهدین افغانی در کوهستانهای استان کونار

نامه گروهی از استادان دانشگاه:

بخشنامه وزارت فرهنگ و آموزش عالی توهین به استادان متعهد به انقلاب است

سردبیر محترم نشریه رنجبر:

بافراسیدن تعطیلات دانشگاهی و یابهنتر بگوئیم تاریخ پیش رسی که وزارت فرهنگ و آموزش عالی برای تعطیل دانشگاهها تعیین نموده است، جوی از بیلتکلیفی و ابهام دانشگاهها را فراگرفت. جوی که به دلیل اظهارات متناقض مقامات مسئول و غیر مسئول درباره سرنوشت دانشگاه و دانشگاهیان تشدید یافته است.

در بحبوحه این بیلتکلیفی و چند روزمانده به فرارسیدن تاریخ تعطیل از سوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی بخشنامه ای صادر گردید که مطابق آن هرگونه تغییری در وضع استخدامی استادان و اعضای هیات علمی دانشگاهها ممنوع اعلام گردید. ابلاغ این بخشنامه مسایل و مشکلات مهمی را که در پی داشت زیرا اولاً با

اتکا باین بخشنامه تعداد زیادی از استادان جوان آزمایشی یا قراردادی دانشگاههای مختلف سرتاسر کشور که مدت قرارداد آنها هم اکنون پایان رسیده است. قادر به تمدید قرارداد خود نشده و عملاً کار خویش را از دست داده اند و تانیات تدریج بر تعداد کسانی که قراردادهایشان در آینده نزدیکی تمام شده و به وضع مشابهی دچار گردیده و به خیل بیکاران سقوط میکنند افزوده میشود.

صدور این بخشنامه با این مضمون و در چنین شرایط تاریخی مقارن با تعطیل دانشگاهها سئوالات و نگرانی هایی را در محافل علمی دانشگاهی بوجود آورده است که آنها را شرح زیر خلاصه میکنیم: - آیا اتحاد چنین تصمیمی در مورد استادان آزمایشی و قراردادی و بقیه در صفحه ۲

یاد آیت اله سعیدی نمونه راستین اسلام مبارز و ضد امپریالیست گرامی باد!

روز بیستم خرداد مصادف با دهمین سالروز شهادت آیت الله سعیدی روحانی مبارز و ضد امپریالیست بدست جلادان سازمان جهنمی ساواک است. در شرایط خفقان آوری که رژیم ضد ملی و وابسته شاهنشاهی پس از سرکوب خونین قیام ۱۵ خرداد ۴۲ در میهن ما بوجود آورده بود، این نمونه راستین اسلام مبارز، فریاد اعتراض خود را بر علیه دستگاه ظلم و استبداد و وابسته بلند کرد.

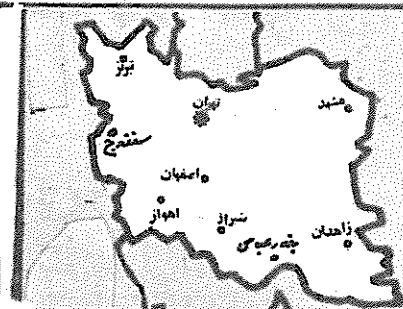
آیت الله سعیدی در شرایط اختناق سالهای ۴۲-۴۹ مسجد امام موسی بن جعفر راه سنگری برای افشای جنایات و سرسپردگی های رژیم شاه و حضور و فعالیت افسار گسیخته سرمایه های امپریالیستی و صهیونیستی در کشور ما تبدیل نمود. او در اعلامیه ها و سخنرانی های خود به لایحه کاپیتولاسیون و غارت ثروت های کشور توسط چپاولگران آمریکایی

و همچنین به غصب حقوق مردم ستمدیده فلسطین توسط اشغالگران صهیونیست حمله کرد.

در زمانی که کنفرانس سرمایه داران امپریالیستی آمریکا در تهران تشکیل شد و غولهای سرمایه مالسی امپریالیستی با استفاده از اختناق ایجاد شده، ایران را به عرصه غارت و چپاول خود تبدیل کرده بودند، او فریاد اعتراض خود را بلندتر کرد... و رژیم ضد مردمی و وابسته شاه که به هراس افتاده بود او را دستگیر و به زندان قزل قلعه منتقل نمود. او در زندان هم نمایش پرشکوهی از مقاومت و پایداری در مقابل دژ خیمان شاه را به منصف ظهور رساند و سرانجام در روز بیستم خرداد ۱۳۴۹ به درجه شهادت نائل شد.

یاد این شهید راه استقلال و آزادی ایران و نمونه راستین اسلام مبارز گرامی بساد!

گزارشات شهرستانها



برگزاری جلسه حزب در دزفول

دزفول - ۱۷ خرداد - هفته گذشته از طرف حزب رنجبران ایران (بخش دزفول) جلسه‌ای در این شهر برگزار گردید. در این جلسه یکی از اعضای حزب در مورد مواضع جدید چریک‌ها و مسائل کارگران بخصوص ماده ۳۳ و ضرورت انقضاء آن سخنرانی کرد. در این جلسه تعدادی از زحمت‌کش که سالهای قبل از پیروزی انقلاب مقیم کویت بودند و در آنجا با رفیق شهید خسرو صفایی زندگی میکردند نیز شرکت داشتند. این دوستان وفادار از رفیق خسرو صفایی به عنوان یک کمونیست واقعی که در میان زحمت‌کشان کار سیاسی می‌کرد یاد کردند، و یاد وی را گرامی داشتند.

درگیری با مجاهدین

بابلرس- نهم خرداد - عده‌ای حماق بدست به کیوسک‌های روزنامه‌فروشی و کتابفروشی مجاهدین در نقاط مختلف شهر حمله نمودند که باعث خرابی کیوسک‌ها و زخمی شدن چند نفر گردید.
قبل از این حادثه سپاه پاسداران و حاکم شرع (هادی غفاری) خواهان برچیدن کیوسک‌ها شدند ولی مجاهدین حاضر به جمع کردن کیوسک‌های خود نمیکردند. کسانی که به کیوسک‌ها حمله کردند عده‌ای راز روزنامه‌های نزدیک به بابلس آورده بودند و قبلاً آنها را تحت این عنوان که مجاهدین پاسداران را محاصره کرده و میخواهند بلوا کنند، تحریک کرده بودند. آنگاه مردم تحریک شده به کیوسک‌ها و هوا داران که مشغول کار بودند حمله میکنند در این درگیری سپاه پاسداران عده‌ای از هوا داران مجاهدین را دستگیر و بازداشت نمودند آنگاه عصر جمعه بازداشت شدگان رایب زندان بابل انتقال میدهند. توضیح اینکه مدتی است حجت الاسلام هادی غفاری به سمت حاکم شرع بابلس منصوب شده‌است و در این مدت متأسفانه برخوردهای نادرست و سیاست‌های جب‌روانه محصول درگیری‌ها و زودخوردهای زیادی را بدنبال داشته‌است.

شهادت روحانی پاسدار در کردستان

بابل - ۱۲ خرداد ۵۹: شهید ابولقاسم بزاز روحانی پاسدار در کردستان بوسیله مواد منفجره به شهادت رسید و جنازه وی در میان تارکلم و تاءثر فراوان وبا شرکت هزاران تن از مردم بابل تشییع گردید.
پاسدار ابولقاسم بزاز یکی از روحانیون مبارز شهر و مورد احترام و اعتماد عمیق مردم بابل بود. مبارزات وی بر علیه دوا بر قدرت آمریکا و روسیه از وی شخصیتی محبوب در بین توده‌ها ساخته بود.
حزب رنجبران ایران شهادت این مبارز از جان گذشته را به مردم بابل به ویژه خانواده آن شهید تسلیت می‌گوید.

اعتراض به دستگیری کارگران صنعت نفت

رئیس جمهور

باید روابط شمال و جنوب را جایگزین گفتگوهای شرق و غرب کنیم

رئیس جمهور بنی صدر در مصاحبه‌ای با خبرنگارهای فرانسه در باره مشکلات اقتصادی کشور سخن گفت. مسئله مرکزی سخنران رئیس جمهور را رسیدن به استقلال در همه زمینه‌ها بخصوص در زمینه اقتصاد تشکیل میداد.

بنی صدر در این مصاحبه علاوه بر اصلاحات داخلی بدرستی به قطع رابطه با بر قدرتها و ایجاد رابطه با ملت‌های که برای استقلال واقعی می‌جنگند اشاره نمود. بنی صدر با اشاره به گفتگوهایش با برونو کرایسکی صدراعظم آلمان و اولاف پالمه و فیلیپ گونزالس رهبران سوسیالیست‌های سوئد و اسپانیا، گفت که باید روابط شمال و جنوب را جایگزین گفتگوهای شرق و غرب کنیم.

شرق و غرب یعنی دوا بر قدرت روسیه و آمریکا که میخواهند دنیا را ببلعند و میخواهند همه را به زیر یوغ خود در آورند، آنها می‌گویند همه چیز باید از کانال ما بگذرد.

در مقابل این دوا بر قدرت کشورهای ستمدیده و تحت ستم آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین قرار دارند. اینها "جنوب" را تشکیل میدهند، اینها کشورهای جهان سومند.

و با لایحه "شمال" یعنی کشورهای اروپائی هستند که اگر چه هنوز به درجات مختلف منافع استعمارگرا نه در کشورهای جهان سوم دارند اما در همان حال تحت فشار و تهدیدات دوا بر قدرت قرار دارند. در هیات حاکمه این کشورها یک گرایش قوی ضد سلطه جوشی علیه دوا بر قدرت وجود دارد که مورد پشتیبانی مردم اروپاست و این گرایش روز بروز در حال رشد و گسترش است.
"جنوب" یعنی کشورهای جهان سوم باید در برابر قدرت آمریکا و روسیه متحد شوند و در عین حال از طریق روابط شمال و جنوب روابط مناسبی با کشورهای اروپائی که خواهان استقلال و ضد سلطه گرائی هستند داشته باشند.

* "مجلس با ید هر چه سریع تر...."
بقیه از صفحه ۱

مجلس خواهد بود.
امروز تمام آن هرج و مرجها انحصاراً رطلبیها، خودکامگیها، قدرت طلبی‌های قشری و گروهی شیوه‌های ارجاع، اتهام انواع با صلااح "افشاگریها" و غیره که بیش از یکسال در سراسر کشور مردم را بست و آواره کرده و انزجار آنها را برانگیخته به مجلس منتقل شده است و شواهد نشان میدهد جناح‌های شایسته از انحصار رطلبان و صاحبان مراکز خودکام که سودی از این هرج و مرج و کشمکش منبندند.

* "نامه استادان دانشگاه"
بقیه از صفحه ۱

اعلام آن در آستانه تعطیل دانشگاه‌ها جزئی از یک برنامه عمومی برای کلیه استادان است یا خیر و چرا در باره چنین تصمیمی که مستقیماً به سرنوشت تمام مدرسین دانشگاهی مربوط میشود کمترین مسوورتی با خود آنها صورت نگرفته و این تصمیم از بالا بصورت کاملاً بوروکراتیک و در اولین قدم نسبت به استادان آزمایشی که ظاهراً دیوارشان از همه گوناخته‌تر است صورت گرفته است.

آیا این تصمیم که عملاً "بخش جوان، فعال و تازه وارد استادانی را که اکثری پس از انقلاب به دانشگاهها راه یافته‌اند و بصورت آزمایشی با قرار دادی استخدام شده‌اند، کنار میگذارد یک تصفیه ضمنی نیست؟ و اگر هست، معیارهای پاکسازی و تصفیه کدامند و بوسیله چه کسانی تعیین شده‌اند. و آیا استادان متعهد، و مومن به انقلاب نباید در تدوین آنها سهیم باشند؟ و اساساً کدام منطق انقلابی حکم میکند که زمان نحوه استخدام افراد آنهم در یک محیط فرهنگی معیار ماندن یا رفتن باشد؟

- آیا این روش تصمیم گیری در باره نظام آموزشی کشور که استادان جز لاینفک آن را تشکیل میدهند. یعنی تصمیم گیری در پشت درهای بسته و بدون مشارکت گروههای ذینفع و صاحب نظر شیوه‌ای انقلابی است یا خاطره تلخ کفوانس‌های گذشته را تداعی میکند؟ آیا دست اندرکاران تغییر نظام آموزشی واقعا بر این باورند که بدون مشارکت فعال توده‌های دانشجو، استاد و صاحب نظران، همیای مشارکت توده‌های وسیع مردم ما مقامات مسئول امر حیاتی بازسازی نظام آموزشی واقعا عملی است؟

- آیا اولین قدم در بازسازی نظام آموزش عالی باید از اخراج عملی توده جوان، فعال و مبتکر استادان که اکثری مومن به انقلاب کبیر خلق ما هستند آغاز گردد، متخصصینی که نه تنها هیچ انقلابی در جهان از وجود آنها بی نیاز نبوده بلکه برای جلب آنان کوشش‌های فراوانی صورت گرفته است. و آیا ما حق نداریم سؤال کنیم که بازسازی نظام آموزش عالی که باید دانشگاه را در خدمت انقلاب اسلامی ایران و خواستها و ضروریات مردم ما قرار دهد، مستسکی برای احراز حاکمیت بلا مانع برخی گروههای تنگ نظر، و گوته بین انحصار طلب بر دانشگاه‌ها نیست؟
و سرانجام آیا اعلام این تصمیم

در باره نفوذ باند کیانوری در سازمان چریک‌های فدائی

باند کیانوری باند جاسوسان سوسیال امپریالیسم روسیه است. این باند بنا بر ماهیت خود از هیچ فرصتی برای رخنه و نفوذ در ارگانهای دولتی مذهبی و گروهها و سازمانهای سیاسی مختلف خودداری نمی‌کند. باند کیانوری نفوذ می‌کند تا برای ارباب روسی اش جاسوسی کند. نفوذ می‌کند تا رهبری جریان را بدست گیرد و نفوذ می‌کند تا انشعاب بوجود آورد. از نمونه‌های بارز این فعالیتها باند کیانوری نفوذ در سازمان چریک‌های فدائی خلق است، که بنا بر ماهیت تشکیلات جدیدش و مشی رهبری غاصبش مساعدترین زمینه را برای رخنه عوامل حزب توده به وجود آورده‌است. البته نفوذ توده ایها در سازمان چریکها به دو شکل است - ۱- نفوذ خطی که نمونه موفقتش موضع گیریهای اخیر رهبری غاصب سازمان است. ۲- نفوذ تشکیلاتی که دو نمونه کجکش مدتی پیش در تشکیلات دانشجویان پیشگام کشف گردید (رجوع کنید به افشایهای پیشگام پلی تکنیک و دانشگاه شیراز) نمونه دیگرش انشعاب مشکوک "گروه منشعب از سازمان چریکها..." (گروه بیگوند) در سال ۵۷ بود که به حزب توده پیوست. این یک نمونه خوب نفوذ و انشعاب عناصر توده‌ای در سازمان چریکها بود. بالاخره نمونه جالب دیگری اخیراً کشف گردید که آنرا هم خود باند کیانوری برای رفقای رهبری سازمان چریکها افشاء کرده‌است!

توضیح لازم

در شماره ۵۹ روزنامه "کار"، ارگان سازمان چریک‌های فدائی خلق از یکی از اعضای حزب توده ایران به نام رفیق فرزاد دادا گو، به عنوان شهید این سازمان نام برده شده بود.
بدینوسیله توضیح می‌دهیم که رفیق فرزاد دادا گو، که قبل از سال ۵۵ در سازمان چریک‌های فدائی خلق علیه رژیم نفوذی مبارزه می‌کرد، در این سال به

سیاه پاسداران و جهاد سازندگی آبادان طی اعلامیه‌ای به دستگیری چهار نفر از کارگران پالایشگاه نفت آبادان اعتراض کردند. در این اطلاعیه آمده است:

"قریب به دو ماه است که چهار نفر از اعضای شورای اسلامی کارگران پالایشگاه و عضو انجمن اسلامی صنایع نفت آبادان بدون هیچگونه ضابطه و اثبات جرم قانونی و فقط با صدور یک بخشنامه در پشت درهای بسته دستگیر و زندانی می‌باشند. ظرف این دو ماه اتحادیه انجمن‌های اسلامی صنایع نفت آبادان و سایر ارگانهای انقلابی و اسلامی متعهد و بی‌پرو خطا تمام همه تلاش خود را صرف رسیدگی به این مسئله حساس نموده‌اند. اما هنوز کوچکترین قدمی در راه آزادی و بازگشت برادران زندانی صورت نگرفته است."

در پایان این اطلاعیه ذکر شده است: "از مسئولین امر قاطعانه می‌خواهیم که هر چه زودتر چهار نفر کارکنان زندانی صنعت نفت را به آسانی - سوری - سورانی - شکاری - جعفری بدون هیچ قید و شرط آزاد نموده و عناصر ناپاک و مفرض تحت تعقیب قرار گیرند."

نامه سرکشاده به نمایندگان مردم استان گیلان در مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران

حزب رنجبران ایران (بخش گیلان) نامه‌ای در رابطه با خواسته‌های مردم بویژه زحمتکشان استان گیلان به نمایندگان این استان در مجلس شورای ملی ارسال داشته که بخشهایی از آن را می‌آوریم:

"دهقانان این منطقه با ضرورت فراوان پس از پیروزی انقلاب و بخصوص در سال جاری به مزارع رفته و بکار تولید پرداخته و بطوری که از همه جا خبر میرسد زمینهای زیر کشت و کار توسعه یافته است و از اینرو سال پربرکت و خوبی را در زمینه تأمین نیازمندیهای کشاورزی خود در پیش داریم بدین جهت باید با اعطای وام بیشتر و گاهی، تهیه لوازم تولید، کود، تضمین پرداختن قیمت مناسب برای تولیدات آنها و برنامه‌های عمرانی و آبادانی، آنان را یاری و تشویق نمود."

کارگران استان نیز که مورد اجحافات کارفرمایان، روسای کارخانه‌ها و مقامات مسئول دولتی قرار گرفته‌اند خواستار رسیدگی فوری به وضع خود هستند. خطر بیکاری و اخراج آنها را تهدید می‌کند اقداماتی که تا نهم اکتوبر صورت گرفته است هیچ یک کفایت زندگی آنها را نمیکند. آنها میخواهند که کارخانه‌ها از عوامل رژیم گذشته و طاغوتی‌ها پاکسازی شود، دستمزدها آنها افزایش یابد و حقوق خوار و بار، اولاد و مسکن و... دریافت دارند و با آنرا افزایش دهند. نظام بیمه و درمان خود و خانواده‌شان تغییر کند، چهل ساعت کار در هفته برسمیت شناخته شود از اخراج کارگران جلوگیری بعمل آید. تکلیف طرح طبقه بندی مشاغل و سود کارگران روشن شود و بالاخره خواهان تدوین قانون جدید کار با شرکت خود کارگران می‌باشند.

در عین حال باید بطرق مختلف تجار، کارخانه داران ملی و صنعتکاران و پیشه وران را تشویق نمود تا با فعال شدن در صحنه اقتصادی کشور تولیدات داخلی و ملی را افزایش دهند و در این رابطه عیبه نظرات انقلابیگری کاذب ضد سرمایه‌داری ملی مبارزه نمود. گرانی، مشکل مسکن، کمبود مواد غذایی و بهداشتی... از جمله مشکلات مردم این منطقه بشمار می‌آیند که باید در رفع آنان کوشا بود.

ما معتقدیم ضمن با فشاری بر روی مبارزه برای استقلال بمنابه اساس هدایت کنندگان انقلاب باید از طریق پاسخگویی به این معضلات و نارسائیها به اوضاع منطقه سروسامان بیشتر بخشید و الا نمی‌توان با وعده وعیدها و تکیه بر لزوم از خود گذشتگی‌های بیشتر زحمتکشان منطقه را در دفاع از انقلاب اسلامی ایران به وسیع ترین وجهی بسیج و متشکل نمود علاوه بر آن تنها از این طریق است که می‌توان نیروهای چپ‌نما و مخرب را به افراد بیشتر کشاند و اعمال سودجویانه آنها را عقیم گذاشت.

و بجز بعبارت دیگر منافع قشری و گروهی آنان با استقرار نظم قانونی و انقلابی منتخب مردم به خطر می‌افتد، خیال دارند این جریان را هر چه بیشتر ادامه بدهند.

آنچه در حال حاضر در مجلس میگذرد نشان دهنده اینست که جریان تاریخی که بفکر قبضه کردن مجلس هستند کمترین توجهی به این امر ندارند که مجلس باید هر چه زودتر کار را اساسی خود را آغاز کند، که مردم آنها را برای حل مسائل و مشکلات خود و برای حفظ و تحکیم استقلال و انقلاب انتخاب کرده‌اند و نه برای دعواهای گروهی و منافس قشری در بالا.

آنچه در مجلس میگذرد نشان میدهد که برای جریانات خودکامه و انحصار طلب، مجلس محلی است برای تسویه حسابهای گروهی، برای انتقام جوئی شکستهای فلان انتخابات و یا بهمان جریان، برای تسویه خرده حسابهای فلان مقام از بهمان کارکنان و یا لایحه محلی است برای تثبیت مراکز قدرت و خودکامگی که همواره در مقابل دولت منتخب مردم، هم قوه مقننه باشد، هم قضا و نه و هم مجریه. برخی از نمایندگان این جریانات تا آنجا پیش رفته‌اند که صریحاً بزرگان آورده‌اند که فعلاً مسائلی چون انتخاب و تعیین نخست وزیر و کابینه، بحران گروگانها و محاصره اقتصادی و غیره یعنی در واقع به راه افتادن چرخهای مملکت و بازسازی اقتصادی تولید کشور مسائل اساسی مجلس نیستند!

منافع قشری و گروهی آنقدر جلوی چشم قایلان را گرفته که گسترش ایجاب دنیا - رضایتی مردم و دامن توطئه های دوا بر قدرت و عوام مملکت و محافل وابسته آنها برای شکست انقلاب را نمی بینند.

مجلس دارای وظایف اساسی و مهمی است و به همین جهت در اوضاع کنونی کشور لازم است هر چه سریعتر کار خود را شروع کند. نخست وزیر و

این خواسته محققانه مردم است و برای تحقق آن باید با منصرفین که راضی به قبول آن نیستند و در راه آن سنگ می‌اندازند مقابله و مبارزه کرد.

"افغانستان: تدارک برای نبرد..."

بقیه از صفحه ۱

که از پای در نیامده‌اند، از تجاوز غارت و سرکوب دست برندارند. پس از شکست های بی دربی منطقه‌ای که در هفته گذشته به ارتش شوروی وارد آمد، امپریالیسم روسیه نیروی ۲۵۰۰۰ نفری ذخیره خود را که در خاک شوروی و در نزدیکی مرز افغانستان مستقر ساخته بود. این هفته وارد کارزار نمود و به نقاط مهم صحنه جنگ گسیل داشت.

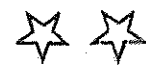
در این لحظات حساس میباید با تمام نیرو بکمک خلق برادر افغانستان شتافت و جبهه بیمن المظلی پشتیبانی از مبارزه رهایی بخش آنان را گسترده تر نمود. در این رابطه بایستی با پیگیری تمام و بدون هیچگونه تزلزلی در دو جبهه بزرگ این امر خطیر را در دست گرفت! جبهه اول، در هم شکستن توطئه‌های مژورانه امپریالیسم شوروی در منطقه است که تلاش دارد کشورهای ایران، پاکستان و هندوستان را بسمت برسمیت شناختن دولت دست نشانده ببرک کارمل بکشاند. ایجاد "کمیته دائمی رسیدگی به بحران افغانستان" قدمی است مثبت، ولی افکار واهی و تفاهم با شوروی را باید بدور ریخت و بویژه ایران انقلابی وظیفه دارد که فعال تر و با سمت گیری روشن تر در این جبهه نقش بازی کند.

جبهه دوم رسانیدن کمکهای مادی و نظامی به مبارزین افغانی میباشد. دولت جمهوری اسلامی ایران در این مورد نه تنها هیچ قدمی برنداشته است بلکه در موارد بسیاری نیز مجاهدین افغانی را زیر فشار قرار داده است. (رجوع شود به مصاحبه گروه انقلابی خلقهای افغانستان در رنجبر شماره ۵۸، هشتم خرداد ۵۹).

پشتیبانی پیگیر معنوی و مادی از خلق برادر افغانستان رسالتی است عظیم و در خدمت تقویت جبهه انقلاب ایران و انقلاب افغانستان علیه ابرقدرت قرار دارد. حرف رابه عمل تبدیل کنیم. تجاوز وحشیانه شوروی به افغانستان هشدار است به کلیه ملل استقلال طلب منطقه.

در آستانه تعطیلی دانشگاهها برای آن نیست که هرگونه عکس العمل بحقی را از سوی استادانی که مشمول این حکم واقع میشوند برای دفاع از حقوق قانونی خود سلب نماید. استادان مومن و معتقد به انقلاب در دانشگاهها که اکثریت استادان را تشکیل میدهند نه تنها مصرا نه خواستار دگرگونی بنیادی نظام آموزش عالی میباشند، نظامی که در خدمت تحکیم سلطه امپریالیسم آمریکا بر میهن ما بوده است، بلکه بر ضرورت آن عمیقاً و مصرا نه تأکید میورزند. آنها باتمام وجود خود خواهان آنند که برای آنها این امکان فراهم آید (و یا حداقل این امکان از آنها سلب نشود) که بتوانند خود به صورت عامل محرکه‌ای در بازسازی نظام جدید مشارکت جدی و فعال بنمایند. اما آنچه که آنها شدیداً با آن مخالف بوده و محکوم میکنند این است که با آنها بشیوه‌ای غیر مسئولانه، بوروکراتیک و موهن برخورد شده، خواسته‌ها دیدگاهها، نظرات و نقش مهم آنها نادیده انگاشته شود.

گروهی از استادان دانشگاهها



"خواستهای کارگران فولاد اهواز"

بقیه از صفحه ۱

کارکنان و تجدید نظر با تحقیق کامل در مورد اخراج شدگان با توجه به سه نظرات کارگران و کارکنان.

۲- تهیه وسائل ایمنی برای کارگران و وسایل یدکی ماشین آلات جهت پیشبرد امر تولید.

۳- دادن ۳۰ روز مرخصی

در شرایط حساس میهن ما که تجاوزات نظامی - هوایی ابرقدرتهای آمریکا و روسیه و توطئه‌های رژیم فاشیستی بعث عراق ضرورت وحدت هر چه بیشتر صفوف زحمتکشان ایران را می‌طلبد، ایجاد محیط رعب و وحشت و تفتیش عقاید و هراس از اخراج با چاق کردن ماده ضد کارگری و طاغوتی ۳۳ نمیتواند در خدمت انقلاب قرار گیرد بلکه در خدمت ابرقدرتهاست.

زنده باد وحدت انقلابی کارگران و سایر طبقات خلقی علیه دو ابرقدرت جهانخوار آمریکا و روسیه. واحد کارگری حزب رنجبران ایران (اهواز) ۵۹/۲/۱۰

معاون گروهی از رهزای خود از این سازمان انتماب کرد و به حزب توده ایران پیوست. فرزاد ماه گور، عضو گروه منشی از سازمان چریکهای فدائی خلق، در حال حاضر در صفوف حزب توده ایران، حزب طرازی نوین طبقه کارگر، در راه آرمان‌های حزب و طبقه کارگر مبارزه می‌کند.

رئیس فرزاد داد گور، در انتخابات مجلس شورای ملی از جانب حزب توده ایران کاندیدای نمایندگی از شهرستان کرمان بود.

مردم سه شنبه: ۱۳ خرداد

این آخرین نمونه نشان میدهد که:

۱- تشکیلات سازمان فدائیان آنچنان باز و گل و گشاد است که سه توده‌ایها می‌آیند و می‌روند و حساب شهدا هم گذاشته میشوند!

۲- با توجه به روابطی که مسلمانان هنوز هم از چشم رهبران و اعضای سازمان پوشیده مانده‌اند، عناصر توده‌ای راحت می‌توانند به نفوذ خود ادامه دهند و تا سطح رهبری نیز رخنه کنند. از کجا که هنوز هم عده‌ای انشعاب نکرده‌ای نباشند؟

ما ضمن اعلام خطر جدی به اعضا و هواداران صادق سازمان چریکهای فدائی از آنان می‌خواهیم که هشیاری خود را در برابر نفوذ جاسوسان باند کیانوری حفظ کنند. برای این منظور قبل از همه باید توجه داشت که خط سیاسی فعلی چریکهای فدائی مساعدترین بستر نفوذ عوامل وابسته به ابرقدرت روس است و بدون تصحیح این خط سیاسی امکان رخنه عوامل باند کیانوری از بین نخواهد رفت.

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

صاحب امتیاز و سردبیر: فرامرز وزیری

مدیر مسئول: علی حجت

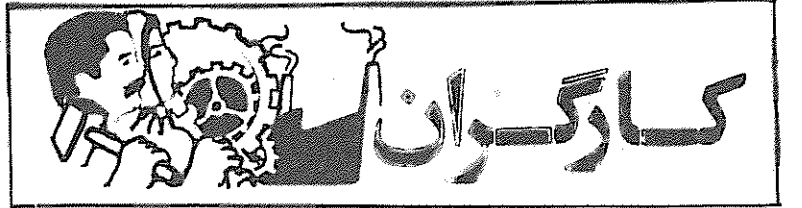
نشانی: خیابان انقلاب جنب سینما رویال

خیابان رامسر کوچه آراسته شماره ۱۷

نشانی پستی: تهران - صندوق پستی ۱۴۱۴-۱۳۰۹

منطقه پستی ۱۵

تلفن ۸۲۰۶۹۱ چاپ فصرت



بعنوان اعتراض به نامالیامات

پک کارگر در شیراز خود را آتش زد

قرار میدهند که دست به چنین عملی بزنند؟

طبقه کارگر ایران در پیروزی انقلاب عظیم ملت ما نقش مهم و تعیین کننده‌ای داشته‌است و این انقلاب باید در حد خود به خواستهای بحق و عادلانه کارگران جواب مثبت بدهد. ولی متأسفانه در طول ۱۶ ماه گذشته پس از پیروزی انقلاب، هرچا که کارگران زحمتکش میهن ما خواستهای خود را مطرح کرده‌اند و به شرایط سخت کار و زندگی مشقت بار خود اعتراض کرده و خواستار بهبود شرایط کار و زندگی خود شده‌اند، با عکس العمل منفی حاکمین روبرو شده‌اند و به آنها برچسب "ضدانقلاب" زده شده است! خودسوزی این کارگر زحمتکش عکس العملی است در مقابل این برخورد منفی و عدم توجه به خواستهای عادلانه کارگران. اینگونه برخوردها نه تنها کمکی به تحکیم استقلال کشور نخواهد کرد، بلکه کارگران این نیروی عظیم را که امر تداوم انقلاب نیز بدوش آنان قرار دارد از انقلاب سرخورده و مایوس خواهد ساخت.

اکثریت کارگران میهن ما که در شرایط بسیار بدی از نظر معیشتی و رفاهی قرار دارند، این شرایط را با کمال متانت و بردباری و با آزادی خود گذشته‌گی حیرت آوری تحمل میکنند و از زندگی ساده خود و فرزندانشان می‌زنند و بخاطر تضعیف نکردن دولت ملی آرامش انقلابی خود را حفظ میکنند. طبیعی است که صبر انقلابی کارگران هم حدی دارد و در صورت ادامه این وضع و عدم توجه جدی به وضع نا بسامان زندگی کارگران و تشدید آن، نباید از

"جواد زجاجی" کارگر کاشیکار، روز پنجشنبه هشتم خرداد در دفتر شاهچراغ شیراز دست به خودسوزی زد. این کارگر که بشدت زخمی شده بود به بیمارستان انتقال یافت ولی متأسفانه بر اثر شدت جراحات، مدتی بعد درگذشت. جواد زجاجی که بعلت تضیقات شدید کارفرما خود را به آتش کشید در آخرین لحظات قبل از مرگ در بیمارستان گفته بود:

"حدود ۱۵ سال پیش ما را برای کار در حرم شاهچراغ از مشهد دعوت کردند. اوتل کارها خوب بود، ولی رفته رفته از دست کنتراتی خارج شد و عموماً ما را به بیکاری میکشیدند. تا اینکه یک معمار ساختمان بعنوان سرپرست امور ساختمانی شاهچراغ تعیین شد که کوچکترین اطلاعی نیز از کارهای ما نداشت. از آن به بعد او به اتفاق چند نفر دیگر، موجبات ناراضیتهای خیلی از کارگران را فراهم آوردند، بطوریکه بارها دست به شکایت زدیم. ولی اثری نداشت، پس از آن عوامل نفاق افکن دست به تفرقه در بین کارگران زدند و من که چنین دیدم تصمیم گرفتم خود را با مقداری بنزین به آتش بکشم."

یکی از اعضاء هیات امنای شاهچراغ در مورد این حادثه اظهار داشت:

"بدنبال شکایت چندتن از کارگران کاشیکار در مورد کمی حقوق و بهره بودن از بیمه، که شب گذشته با هیئت امنای در میان گذاشتند، این هیئت تصمیم گرفت که پنجشنبه کارگران مزبور را به اداره کار ارجاع نماید و... اما حدود ساعت ۹ صبح "جواد زجاجی" در دفتر

۶۰۰ کارگر چیت سازی بهشهر با وجود ۳۵ تا ۴۰ سال سابقه نمی توانند بازنشسته شوند

به مسائل رفاهی کارگران زحمتکش خبازیهای آبادان فوراً رسیدگی کنید

- ۱- جلوگیری از اخراج بی رویه کارگران خبازیها، آبادان.
- ۲- پرداخت مابه‌التفاوت حداقل دستمزد.
- ۳- ارسال لیست بیمه‌های اجتماعی جهت استفاده کارگران در ایام بیماری.
- ۴- پرداخت مزایایی که طبق قانون به کارگران تعلق میگیرد.

ماکارگران برای این خواستهای قانونی تاکنون از طریق سندیکاهای کارگران مبارزه کرده‌ایم، ولی از طرف مسئولین تاکنون هیچ اقدامی صورت نگرفته است. از اواقل فروردین ماشینهای نان پزی جدید در خبازیها بکار افتاد که موجب بیکار شدن عدهای گردید و میگردد.

ماز دولت جمهوری اسلامی میخواهیم که به خواستهای ما کارگران خبازیها که بایکمی از احتیاجات بسیار اساسی مردم سرور کار داریم رسیدگی شود. کوتاهی در این امر باعث بالا رفتن دلسردی و یاس کارگران و سوء استفاده کارفرمایان خواهد شد.

عدهای از کارگران خبازیهای آبادان

نگرفته‌اند.

مسئولان کارخانه علیرغم این که خواسته‌های کارگران را بحسب میدانند، عدم تحقق آنها را ناشی از نداشتن امکانات مالی ذکر میکنند و میگویند که با توجه با افزایش حقوق کارگران در یکسال گذشته و همچنین فرار سهامداران اصلی کارخانه مانند خسروشاهی و قاسمی، کارخانه در یک موقعیت نامطلوب از نظر مالی قرار دارد و برای این منظور تقاضای ۴۰۰ میلیون تومان از دولت کرده‌اند.

روشن است که اوضاع نامطلوب فعلی تقصیر کارگرانی که دهها سال در بدترین شرایط بهداشتی جوانی خود را گذرانده‌اند نمی‌باشد. بلکه این سهامداران عمده کارخانه بوده‌اند که پس از سالها مکیدن خون کارگران منافع سرشار حاصل از دسترنج آنان را به جیب زده و فرار کرده‌اند و در نتیجه کارخانه را در چنین وضعی باقی گذاشتند.

اکنون با توجه به این که طبق گفته مسئولان، سهامداران باقی مانده از امکانات مالی کافی برخوردار نمی‌باشند، بنظر میرسد بهترین راه حل برای کارخانه حمایت مستقیم دولت و یا حتی ملی نمودن آن باشد. بخصوص با توجه به اهمیت این کارخانه و نقش آن در اقتصاد منطقه لزوم توجه بیشتر دولت روشن می‌گردد.

خواست این کارگرای برای بازنشسته شدن با حقوق مکفی که تاثیر سویی بر زندگی آنها نداشته باشد و برعکس زندگی آنها و خانواده هایشان را بنحو کامل تامین نماید، خواستی بحق و عادلانه است.

همچنین حل سریع این مسئله بلافاصله ۶۰۰ محل کار جدید برای کارگران بیکار بوجود خواهد آورد. بنابراین تحقق آن امری ممکن و عملی است. ولی باید توجه داشت که آنگونه کارگران بایستی بعد از بازنشستگی از همان مزایا و امکاناتی که در زمان اشتغال از آنها برخوردار بودند همچنان استفاده نمایند و هیچگونه مشکلی از نظر مسکن، بیمه و... نداشته باشند.

عدهای از کارگران زحمتکش خبازیهای آبادان، طی نامه‌ای به "رنجبر" از عدم رسیدگی مسئولین شهر آبادان به خواستهای به حق خود شکایت کرده و خواستار توجه جدی و فوری نسبت به وضع کار خود شده‌اند. مادرزیر ضمن درج نامه این کارگران اعلام میداریم که توجه به خواستهای کارگران خباز که در شرایط دشوار نانوائیها بکار مشغولند، باید از اساسی ترین اقدامات مقامات شهر باشد تا با تاءمین شرایط مناسب محیط کار و تاءمین رفاه کارگران، قدمی برای ارتقاء وضع نامطلوب زندگی کارگران خباز آبادان برداشته شود.

سرپرست روزنامه رنجبر: ماکارگران خبازیهای آبادان همیشه چه در دوران طاغوت وجه بعد از انقلاب مورد ستم و استعمار و وحشیانه ای از طرف صاحبان نانوائیها قرار داشته و داریم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران ماکارگران خواستهای ثانوی خود را طی طوماری به مسئولین شهر از قبیل فرماندار و رئیس اداره کار تسلیم نمودیم و برای تحقق آنها تا بحال مبارزه کرده‌ایم. خواسته‌های ماکارگران خبازیهای آبادان بقرار زیر است:

بررسی نظرات اکثریت ...

بقیه از صفحه ۴

همین خاطر "اکثریت" هم با پوشش مارکسیستی - لنینیستی و با پرچم تصحیح اشتباه! و حمل به یورتونیسم چریکی یا به میدان می‌گذارد. ما بارها گفته بودیم که گزاره‌ی یورتونیسم چریک را ما مارکسیست - لنینیستها باید بدهیم و امروز این حقیقت به ثبوت رسیده است. رهبری حزب توده این عامل ابرقدرت شوروی سالهاست که مدعی است یورتونیسیم "چپ" و "چپ روها" و "چپ نماها" بالاخره "ساز" "سیا" و "ساواک" درمی آورند و ما سالهاست که تاءکد ما کنیم که حیات هستند

از نظر مارکسیسم، انشعاب بعد از تئوئیسیم، تئوئیسیم هم د.

صبح چون راجی در صبر
آستانه با ریختن بنزین بر روی خود و
روشن کردن فندک دست به خود
سوزی زد.

خودسوزی و مرگ جانگداز
این کارگر زحمتکش این سؤال را
 مطرح میسازد که: چرا یک کارگر
زحمتکش را تا به این حد تحت فشار

کارگران زحمتکش انتظار داشت که
این شرایط را بیش از این تحمل
نمایند. در آنصورت، هیچ کارگری از
سلاح خود سوزی استفاده نخواهد
کرد و مشت‌های گره کرده کارگران در
مقابل هرگونه ظلم و بیعدالتی
خواهد ایستاد!

راهپیمائی کارگران شرکت پترولیوم مسجد سلیمان:

و شرکت نمایندگان کارگران در تدوین قانون کار
جز و خواسته‌های کارگران است.

روز چهارشنبه ۱۴ خرداد
حدود ۲ هزار نفر از کارگران شرکت
"پترولیوم" برای بیان درخواستها و
بخصوص پرداخت دستمزدهای عقب
افتاده خود دست‌به‌راهپیمائی زدند.
این راهپیمائی از محل شرکت تا مسجد
شماره یک مسجد سلیمان ادامه
داشت. شعارهای راهپیمائی از این
قرار بود:

- ۱- لغو ماده ۳۳ قانون کار.
- ۲- پرداخت ۲ ماه حقوق عقب افتاده.
- ۳- تصفیه مدیران طاغوتی در اسرع وقت.
- ۴- روشن شدن وضعیت کل شرکت.
- ۵- ملی شدن صنایع تولیدی بدست زحمتکش و برای کارگران.
- ۶- در پایان راهپیمائی یکی از نمایندگان کارگران سخنرانی کرد و پس از تشریح اوضاع تابسانان شرکت گفت:
- ۱- "در مذاکره نمایندگان ما با نمایندگان رئیس جمهور در تهران ما گفته‌اند که باید یکماه از حقوق خود را برای هزینه‌های شرکت بگذارید و یکماه دیگر را خودتان دریافت کنید، که مورد قبول نمایندگان اعزامی شرکت واقع نشد." آنها ضمن پشتیبانی از انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی آمادگی خود را برای هرگونه فداکاری در راه استقلال ایران اعلام کردند.
- ۲- ما خواهان واحدت هر چه بیشتر اعضا و نمایندگان شورای شرکت پترولیوم هستیم.
- ۳- ما خواهان پرداخت ۲ ماه حقوق عقب افتاده خود می باشیم.
- ۴- ما خواهان اخراج عوامل ساواکی هستیم.
- ۵- ما خواهان وحدت هر چه بیشتر اعضا و نمایندگان شورای شرکت پترولیوم هستیم.
- ۶- ما خواهان پرداخت ۲ ماه حقوق عقب افتاده خود می باشیم.
- ۷- ما خواهان جلب هیئت مدیره شرکت در تهران و محاکمه آنها در مسجد سلیمان هستیم.



روستای کلاسیاه (فارس) شرکت تعاونی بند امیر در حق دهقانان اجحاف می کند

روستای کلاسیاه در یک فرسخی غرب بند امیر (واقع در ۵۵ کیلومتری شیراز) قرار دارد. این ده مرابط و وسایل و امکانات بهداشتی و درمانی است به طوری که سالی یکبار هم دکتر به این روستا نمی‌آید و آب آشامیدنی هم ندارد. روستائیان که امکاناتی دارند، آب آشامیدنی را از بند امیر تهیه میکنند. در غیر این صورت باید از همان آب رودخانه که پر از انواع میکروبیها و فضولات است برای آشامیدن استفاده کنند. روستا تنها دارای مدرسه ابتدائی است و بچه‌ها برای ادامه تحصیل باید به بند امیر بروند.

زنان این روستا در درجه اول در کارهای کشاورزی و تا حدی در دامداری به شوهرانشان کمک می‌کنند و در کنار آن کار ریسندگی پشم هم انجام می‌دهند که آنرا می‌فروشند. در این روستا کمتر کسی قالی می‌بافد زیرا اصولاً "ابزار و مواد خام اولیه" وجود ندارد. سیاه‌پسداران و جهاد سازندگی تاکنون در این روستا هیچ اقدامی نکرده است.

زمین‌های زراعتی این ده حدود ۲۰۰ هکتار است و هر خانواده تقریباً ۲ هکتار زمین دارد و سه خانواده نسبت به دیگران زمین بیشتری دارند. چند خانوار بی زمین این روستا در کوره پزخانه یا کارخانه آزمایش کار میکنند.

برای آبیاری کشاورزان از آب رودخانه استفاده میکنند و اداره آبیاری به مقدار هر هکتار زمین زیر کشت و نسبت به نوع محصول موقع برداشت از آن‌ها پول می‌گیرد. در زمین بذر، کود و ... می‌دهد. به کرات دیده شده به دهقانان قفیری که به کمی پول احتیاج دارند وام نمی‌دهند. منتهی متنفذین برای گرفتن وام ضیافت می‌دهند و مقدار زیادی وام می‌گیرند، یا خویشان وندان مسئول وام دهی از وام برخوردار می‌گردند.

با چند تن از دهقانان صحبت کردیم. آنها گله داشتند که در زمینه وام برای آنها کاری انجام نشده و امیدوار بودند در این زمینه و همچنین درست کردن شرکتهای تعاونی واقعی اقدامات فوری به عمل آید. زیرا تعاونی بندامیر در موقع خرید محصول از دهقانان بابت بدهی حاصل از گرفتن بذر و کود در نوزین محصولات، عدالت را مراعات نمی‌کند و همچنین محصولات را به قیمت ارزانی می‌خرد، یکی از دهقانان تعریف می‌کرد که در سال با بول بذر و کود و آب و ... که باید بردازد با این که تمام سال او و سه فرزندش در زمینشان کار میکنند در موقع برداشت محصول فقط ۲ تا ۳ هزار تومان برای چند ماه خرج یک خانواده ۱۰ نفری باقی می‌ماند.

پورتنویسیم، پورتنویسیم هم در دوران امپریالیسم یعنی یک روند بورژوازی در جنبش کارگری که در رابطه با انحصارات امپریالیستی بوده و به آن خدمت می‌نماید. صرف نظر از اینکه افراد طرفدار یک روند امپورتونیستی از کدام طبقه و قشر هستند (خرده‌بورژوازی، بورژوازی، کارگر، دهقان) دردوران امپریالیسم هنگامیکه یک جریان سراسری امپورتونیسم شکل می‌گیرد و بطور همه جانبه به مبارزه علیه مارکسیسم بر میخیزد، این امپورتونیسم از لحاظ ایدئولوژیک متعلق به آن نوع از بورژوازی است که در حفظ و تحکیم امپریالیسم نفع اساسی دارد.

در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری دردوران امپریالیسم میبینیم که انترناسیونال دوم و رویزیونیسم مدرن هر دو بنوبه‌ی خود در شکل‌های مختلف به مشاطه‌گر امپریالیسم تبدیل شده و به آن خدمت نمودند.

روویزیونیسم خروشجفی و برزنی به کی خدمت کرد و می‌کند؟ خروشجف اول کار هنگامیکه هنوز کاملاً "ماهیت نظام شوروی و دولت آن تغییر نکرده بود، با علم کردن سه مسالمت آمیز - گگذار مسالمت آمیز - راه مسالمت آمیز، رقابت مسالمت آمیز و راه مسالمت آمیز، تلاش کرد تا شعله‌های روز افزون مبارزات و جنگ‌های آزادیبخش خلق‌های جهان سوم علیه امپریالیسم آمریکا، انگلیس، فرانسه و ... را فرو نشاند. پس از آنکه قدرت سیاسی را کاملاً "در شوروی غصب کردند رویزیونیستهای برزنی‌نفسی آگاهانه در خدمت بورژوازی انحصاری بوروکراتیک حاکم در شوروی درآمدند و امروزه نه تنها کارگزار بلکه ندیبر و هادی سوسیال - امپریالیسم شوروی می‌باشند.

امپورتونیسم - سوسیال - لنینیسم بود و انشعاب کثونی "اکثریت" تکامل این امپورتونیسم بسطح امپورتونیسم بین الملل تزارهای نوین است. امپورتونیستی که سالهاست وجود داشته امروز کاملاً به خود شکل داده و بار دیگر به این حقیقت مارکسیستی صحنه می‌گذارد که در دوران امپریالیسم امپورتونیسم از امپریالیسم جدا نبوده و در عصر کنونی امپورتونیسم عمده‌را امپورتونیسمی تشکیل میدهد که از میان دو جریان امپریالیستی (آمریکائی و روسی) متعادل به ابر قدرت سوسیال - امپریالیستی می‌باشد. امپورتونیسم متعادل به ابر قدرت سوسیال - امپریالیستی خود را در زیر پوشش سوسیالیستی بین الملل سوسیالیستی می‌پوشاند و درست به

که دیر یا زود سراز گریملین در می‌آورند امروز کدام اولین نظرات صحیح است: انشعاب اولی از چریکها به کجا رفت، این انشعاب کجا شکل گرفته و به کجا رفته است؟ انشعاب پس از انشعاب دست به دامان رویزیونیستهای حزب توده و گرملین می‌شوند، با سفری به مسکو و دیداری با کلبانوری (بطور مخفی و بدور از چشم اعضای سازمان) عقد نامیمون لایه‌های مختلف امپورتونیسم بسته میشود.

سقوط کامل "اکثریت" سازمان چریک‌ها به دامان بین الملل سوسیال امپریالیستی در عین حال حکایت از نقشی شوم ابر قدرت شوروی برای جنبش ما دارد. رویزیونیستها و عوامل شوروی بزرگترین تفرقه‌اندازان و اشغالگران عصر کنونی اند، آنها چه در جنبش کارگری وجه در جنبش ضد امپریالیستی ما امروزه به طور فعال دست اندر کار انشعاب و تفرقه هستند. و بیشک عامل مهمی در تلاطم و هرج و مرج جاری می‌باشند این حادثه باید همه نیروهای اصیل مارکسیستی - لنینیستی و استقلال خواه راهوشیار سازد و امر مبارزه علیه امپورتونیسم سوسیال - امپریالیستی را در کلیه ابعاد و بطور بیگیر در دستور مبارزه روزمره قرار دهد.

حزب ما که از همان آغاز خطر این جریان را درک کرده بود، امروز با هوشیاری بیشتر مبارزه علیه این روند امپورتونیستی را به جلو هدایت می‌کند و بخاطر آن با یفشاری شاعر مبارزه علیه امپریالیسم از مبارزه علیه امپورتونیسم سوسیال - امپریالیستی جدا نیست، مبارزه‌ی گسترده‌ای را چه در جنبه‌ی مبارزه ضد امپریالیستی و چه در جنبه‌ی مبارزه ایدئولوژیک در جنبش چپ به جلو می‌برد. همان طور که علت وجودی امپورتونیسم کنونی در تکامل امپریالیسم و رشد سوسیال - امپریالیسم است، علت سقوط و نابودی آنها هم در اضمحلال امپریالیسم و سوسیال - امپریالیسم ماهیتا نظام پوسیده‌ای بسوده، سرمایه‌ی انحصاری در حال مرگ و افول می‌باشند. ایدئولوژی بورژوائی دیگر یارای مقاومت در برابر ایدئولوژی پرولتاریا را ندارد و هر روز که مبارزات انقلابی اوج می‌گیرد ناقوس مرگ امپریالیسم و جفست نامیمون آن امپورتونیسم به صدا در می‌آید.

انشعاب کنونی در سازمان چریکها در تحلیل نهائی امر خوبی است، مانند دملی می‌ماند که بر بدن سالمی رخنه کرده باشد. ترکیدن دمل و بیرون آمدن چرک به سود بدن سالم است.

از «اپورتونیسیم چریکی» تا «انترناسیونالیسم سوسیال امپریالیستی»

بالاخره با انتشار کار شماره ۶۱ «اقلیت»، معلوم شد انشعاب بزرگ کنونی در سازمان چریکی های فدایی خلق، شکل نهایی بخود گرفته و نه تنها از لحاظ ایدئولوژیک - سیاسی بلکه از لحاظ تشکیلاتی هم مدت‌هاست ترکیب اقلیت و اکثریت ثابت مانده است.

گزارش ها حاکی است که عده‌ای از طرفداران سازمان چریکهای فدایی خلق گج، عده‌ای بسوی این عده‌ای بسوی آن سازمان گروه در حال حرکتند بعضی‌ها از بحث فرار میکنند و میخواهند در کنخ تنهایی بالاخره به این مساله پاسخ گویند که کدام راست میگویند - اکثریت یا اقلیت؟ حزب توده هم که طرح‌های انشعابی خود را در رابطه با سازمان چریکها پیاده کرده است، با دمس فندقی می‌شکند! و آشکارا جناح اقلیت را خیزد میسازد.

حال ما باید به این سوال جواب گوئیم، انشعاب کنونی برسر چیست؟ زیر تمام این دعواها مانع کدام ابرقدرت امپریالیستی یا ابر قدرت های امپریالیستی خوابیده است و کدامین طبقات از این انشعاب بهره‌ای خواهند برد و حزب ما چه وظایفی در قبال این انشعاب شکل یافته معیده دارد.

انشعاب کنونی بر سر چیست؟

اکثریت میگوید انشعاب برسر مسایل زیر است:

جنبش کمونیستی ایران که مدتها بود در نتیجه عملکرد بگرفته عوامل عینی و ذهنی به تفرقه رفته بود در جریان انقلاب تحولی یافت و سازمان چریک ها "بمنابه نیروی عمده جنبش کمونیستی ایران" ناگزیر ملهم از این اوضاع می‌بایستی به پیش نادرست شکل گرفته ۱۵ ساله که طی ۹ سال بر سازمان چیره بود خاسته دهد. این پیش در بعد فلسفی آن معرف ایدئولوژیسم در پوش ماتریالیسم و در عرصه طبقاتی معرف جهت گیری عموم خلقی و غیر پروولتری بود. این جنبش چریکی به نفع رشد و تکامل عینی مبارزه طبقاتی، پرداخته و به نقش پیشرو در مناسبات بین توده و پیشروان بطور یکجانبه بر بهاء میداده و در سطح جهانی بجای اتحاد با بین الملل سوسیال امپریالیستی با جنبش بین المللی چریکی متحد می‌شد. این پیش بدون درس گیری

بررسی نظرات اکثریت و اقلیت در «سازمان چریکها»

واقعی برجم راستین مبارزه علیه اپورتونیسیم تاریخی و رویزبونیسم حزب توده، علیه رویزبونیسم خروشچی را برافراشته و بخاطر ایجاد یک حزب نوین پروولتری مبارزه را با تمام قدرت آغاز کردند، تلاش کردند در پیش گرفتن خط "میانی" و "وینتانی" از تکامل همه جانبه این جنبش نوین کمونیستی جلو گیرند.

اپورتونیسیم چریکی سالها قبل از انقلاب با شکست کامل رویزبونیسم و تنها خون شهدا و ایستادگی زندانیان این منی اپورتونیسیتی بود که در جریان انقلاب شکوهمند، بار دیگر حلقه‌هایی از توده‌های جوان را به خود کشانید. درست امروز این نیروی جوان است که اپورتونیسیتی چریکی را زیر سوال قرار داده‌است و

چطور شد که نشریه «کار» را توده‌های هاپخش می‌کنند؟

روزنامه محترم رنجبر: اخیراً در شهرستان پیش خانواده‌ام رفته بودم. یکی از فامیل هایمان از فعالین "پیشگام" است. دیدم تعداد زیادی "کار" (شماره‌های اخیر) در خانه جمع کرده‌است. پرسیدم اینها را چرا اینجا جمع کرده‌ای؟ گفت: نمیخواهم بخش کنم. گفتم چرا؟ گفت: چونکه مقاله هاش ناچور شده. گفتم چطور ناچور شده؟ جواب نداد.

آدمهای رهبران! به مسکو و مذاکره یا باناماریف‌ها تدوین کرده‌است، آنجان اکثریتی هم باقی نخواهد ماند.

اما اقلیت که هنوز "عقاید مردگان" بر سرش سنگینی میکنند درست تشخیص داده است که در اکثریت عینی یا عیب‌هایی موجود است: مرکزیت دمکراتیک را بخوبی اجرا نمیکند و منی توده‌های را در پیش نمی‌گیرند. اقلیت به درستی از انترناسیونال اکثریت هراس دارد و بدرستی فکر میکند که انترناسیونال چریکی آنها مستقل تر از انترناسیونال اکثریت کنونی است، اقلیت دریافته که آنچه سازمان چریک ها را در میان عده‌های از مردم محبوبیت بخشیده همین جنبه‌های پایمردی، رزمندگی و استقلال خواهی بوده است. اما اقلیت بخاطر حفظ این دستاوردهای سازمان خود تلاش دارد آنچه را که مرده‌است زنده کند و بار دیگر از شورگری جوانان مایه گذارد تا شاید فرجی حاصل آید.

از نوشته‌های اقلیت معلوم است که بیشتر رویه توده‌ها و کارهای عملی دارد و بدور از ساخت و بخت های سیاسی و گروهی می‌خواهد جوابی به ناراضی‌های موجود و ستم های ترمیم نشده پس از انقلاب بدهد. اما اقلیت، ماهیت دولت کنونی را وابسته میدانند و تنها شیوه مبارزه برای سرنگونی را در دستور کار قرار میدهد و انتقاد از اکثریت را تا آنجا که به منی سیاسی مربوط میشود به مساله چگونگی برخورد به دولت کنونی محدود میسازد. شاید علت اساسی مساله تاکتیک باشد و گرنه چگونه ممکن است انشعابی به این بزرگی صورت گیرد و تنها یک مساله مورد اختلاف باشد. چطور ممکن است وابستگی یکدولتی را در ایران ارزیابی کرد بدون اینکه مساله‌ی امپریالیسم را بطور همه جانبه مورد بررسی قرار ندهد. بدون اینکه به سوسیال امپریالیسم شوروی برخوردی نداشته. البته حال باباز شدن بحث علنی و پاتوجه باینکه اکثریت عامل بین المللی و باصطلاح بین المللی کمونیستی را در مباحثه دخالت داده‌است اقلیت هم کسان، کسان مجبور خواهد شد که در این باره موضعی اتخاذ کند. تجربه نشان میدهد که اپورتونیسیم چریکی معمولاً سر از بین الملل روس‌ها در

باندازه کافی در مبارزه یکسال واند خود خسته شده‌است اخلال‌های این مدت آنرا باندازه کافی ضعیف کرده است، محاصره اقتصادی توسط آمریکا آنرا با مشکلات روبرو ساخته و... و حالاً با داشتن و کاشتن عناصر خود در دستگاههای مختلف می توان سیاست جلب آنرا در پیش گرفت و یا نشان دادن "دشمن اصلی" که آمریکا است آنرا جلب نمود و با برتری "کیفی" بموقع انقلاب ایران را بسود "پروولتاریسای" کرملین نشان چرخانید. مگر سرمقاله کار ۵۹ - چیزی جز این سیاست را می‌گوید مگر مضمون آن با مضمون جنبه متحد خلقی حزب توده تفاوتی دارد؟

چرا در پلاتفرم انشعاب خود آشکارا نمی‌گویند ما پس از طرد اپورتونیسیم چریکی به اردوگاه شوروی رفته‌ایم و امروز خط استراتژیکی آنرا بدینترتیبیم. چرا با عبارت برداری کرملین است نشان دهد؟ آیا جوش سیاست اکثریت نسبت به دولت کنونی و نسبت به مسئله‌ی کردستان ناشی از سیاست فرموله شده‌ی جدید شوروی نیست که پس از یکسال و سه ماه تدارک حالاً بعلت تغییر اوضاع عرضه شده‌است؟

چرا در پلاتفرم انشعاب خود آشکارا نمی‌گویند ما پس از طرد اپورتونیسیم چریکی به اردوگاه شوروی رفته‌ایم و امروز خط استراتژیکی آنرا بدینترتیبیم. چرا با عبارت برداری کرملین است نشان دهد؟ آیا جوش سیاست اکثریت نسبت به دولت کنونی و نسبت به مسئله‌ی کردستان ناشی از سیاست فرموله شده‌ی جدید شوروی نیست که پس از یکسال و سه ماه تدارک حالاً بعلت تغییر اوضاع عرضه شده‌است؟

کمانوری بخاطر "کسی بین الملل" رقابت میکند؟ مضمون اصلی انشعاب "اکثریت" ادامه منی اپورتونیسیتی چریکی از میانه به رویزبونیسم آشکارا تسلیم در برابر سوسیال - امپریالیسم شوروی است. و عملاً "این همان راهی است که فیدل کاسترو سیاست طی کرده‌است. فیدل کاسترو با برجم "ارتش شوروی" و انترناسیونال چریکی و انقلابیگری کاذب آغاز کرد، چندسالی خط میانی را در جنبش بین المللی کمونیستی گرفت، اما عاقبت بکراست سر از رویزبونیسم شوروی در آورد. و امروز بروشنی می‌بینیم که نقش گروه ضربتی سوسیال - امپریالیسم شوروی را در سطح جهانی بازی میکند. آیا اکثریت با حمله به اقلیت حال از اکثریت باید پرسید

برداشتن یکی دوشماره ورق زدم و خواندم نفهمیدم چرا ناچور شده‌است. بعد دیدم او وارد اطاق شد. با دیدن روزنامه‌های عصبانی شد شروع کرد به داد و بیداد کردن که باز از اینها آورده‌ای و بعد شروع کرد به فحش دادن به شوروی..... بعد من به او گفتم که بهتر است اینها در خانه نباشد و رفتن خانه یکی از افراد خانواده. شب که آمدم

بخاطر جوانی و کم تجربه‌ی آنان، رهبران کارگرفته با شکل اکثریت و اقلیت تلاش دارند آنها را فریب دهند و جند سالی دیگر اپورتونیسیم را در شکل دیگر بر آنها مسلط نمایند.

اپورتونیسیم چریکی به کی بیشترین لطمه را وارد ساخت و امروز بسود کی دارد جریان را هدایت میکند؟ خط "میانه" و "وینتانی" این اپورتونیسیم مگر قدم قدم کار را به آنجا نگشانده است که به دفاع از ابرقدرت امپریالیستی شوروی برخاسته و با حزب توده و دارودسته

می‌آورد. با اینکه بنظر ما هر دو جریان اکثریت و اقلیت انشعاب گزند و از مارکسیسم - لنینیسم سالیهاست انشعاب کرده و همچنان به انشعاب خود ادامه میدهند اما چریکان اکثریت خطرناکتر بوده، سمت قهقرایی را کاملاً طی نموده و یک جریان خطرناک تقویت انقیاد طلبی و تسلیم طلبی بطرف ابر قدرت نوحاشته شوروی می‌باشد. در حالیکه جریان اقلیت اولاً علی‌رغم سیر قهقرایی بوده و مضمون انشعاب آنها امروز با سیاست تاکتیکی ابر قدرت شوروی خوانایی چندانی ندارد. با اینکه ممکن است غیر مستقیم از آن سو استفاده کند و در آینده حتی آنرا در خدمت در آورد.

حاکمین ما که در پس از انقلاب با سازمان چریکهای فدایی خلق روبرو بوده‌اند، ممکن است خود به ظاهر را بخورند و در برخورد خود به این انشعاب، نه تنها آنرا به فال نیک بگیرند، بلکه این "تحول" را بسود خود تلقی نموده دست دوستی بسوی "اکثریت" دراز کنند. همان گونه که در کردستان سیاست زدن "گولمه" و همکاری با "دمکرات‌ها" در پیش گرفتند، امروز هم سیاست زدن اقلیت و همکاری با اکثریت چریک ها را تقویت نمایند.

در ایران هر گرایش سیاسی را باید قبل از هر چیز با معیار "سه آمریکا، نه روسیه" یعنی میسار امپریالیسم و استقلال سنجید. گرایش اکثریت چریک ها هرچقدر هم معقول تر بنظر آید و هرچقدر هم نسبت به دولت برخورد "خوب" داشته باشد در این مضمون اصلی اشکال دارد و گرایش است بسوی ابرقدرت شرق بسوی شوروی. هیچ فرد میهن دوست و استقلال خواهی نمیتواند آنرا به فال نیک بگیرد مگر اینکه از اوضاع جهانی بسوی توده باشد و از نقشه ابرقدرت شوروی برای کشور ما خبری نداشته باشد و افغانستان را هم نشناسد.

معیار تمایز مارکسیست واقعی از مارکسیست کاذب در دوران امپریالیسم اینست که آیا علیه امپریالیسم مبارزه میکند یا نه؟ معیار تمایز مارکسیست واقعی از مارکسیست کاذب در زمانی که دوا بر قدرت آمریکا و شوروی برای سلطه بر جهان به

امریکا دشمن اصلی است" با وجود این که "شوروی را دشمن مکار و

سازمان "بیکار" مدعی است که از همه ضد امپریالیستها، ضد امپریالیست تر است. بررسی مفصل

امپریالیست تر است، بررسی مفصل درک سازمان پیکار از امپریالیسم جهانی در توان ما نیست ولی سعی میکنیم در این بحث به گذشته خیلی نزدیک "پیکار" نگاه کنیم و ببینیم که آیا پیکار آنطور که ادعا میکند هست یا نه؟

"پیکار" از جمله سازمانهایی است که معتقد است شوروی کنونی کشوری امپریالیستی است ولی این امر هیچ مانعی در راه "پیکار" ایجاد نمیکند که به مخالفین این تز کسانیکه به قول پیکار "از غارت و چپاول خلقها به دفاع برخاستند" رای دهد. این امر نشانه این است که پیکار در حرف معتقد به سوسیال امپریالیسم است و معیار او برای قوی کردن "قطب جنوب در برابر ضد انقلاب" نه یک معیار ضد امپریالیستی و وحدت کردن با آنهاست که با امپریالیسم سرز بندی مشخص کرده اند بلکه معیار او فقط داشتن "برنامه تبلیغی افشاگرانه" و "مضمون سیاسی" این افشاگری هاست. اگر معیار "پیکار" باشد، داشتن موضع قاطع ضد امپریالیستی به طور اخص در برابر آمریکا و روسیه بود، میجوقت به توجیه گران امپریالیسم روس که خود "پیکار" معتقد است که امپریالیسم روس "از دشمنان مکار و تجاوزکار خلقهای جهان" است، (ضمیمه پیکار ۴۹) رای نمیداد. پیکار با رای دادن به این توجیه گران روس یعنی رهبریت غاصب جریکا نه تنها قطب چپ را در برابر ضد انقلاب قوی نکرده بلکه آب به آسیاب امپریالیسم ریخته و قطب امپریالیسم را در برابر خلق قوی کرده است.

چرا "پیکار" این چنین گذشت هایی را در اصول خود میگذرد؟ روی مسئله بیشتر تأکید میکنیم. پیکار مدعی "ضد رویزیونیست بودن است و این افشادات و گریزات حادت یافته رویزیونیستی" (همانجا) در داخل جریانی مانع نمیشوند که پیکار از آنها دفاع نکند. پیکار میگوید:

در درون جنبش کمونیستی ایران اختلافات و انحرافات سیاسی-ایدئولوژیک متعددی وجود دارد ولی تا زمانی که این اختلافات و انحرافات نیروی جریانی از کل نیروها و جریانهای موجود در درون نهضت مارکسیستی ایران را از جنبش کمونیستی و فراتر از آن از جنبش خلق خارج ننموده است حمایت متقابل این نیروها در عرصه مبارزه طبقاتی در برابر ضد انقلاب درست و لازم است (ضمیمه پیکار ۴۹) (تاکید از ما).

"پیکار" بر روی این مسئله که رهبری جریکا اردوگاه سوسیالیسم را تأیید و رویزیونیسم را نفی میکنند، صحه میگذارد ولی عمل او با حرف او نمیخورد. او چگونه رهبری جریکا را با ماهیت فوق در صف کمونیستها قرار میدهد، مگر نه اینکه کمونیست بودن یعنی مرز بندی دقیق کردن با رویزیونیسم؟ مگر نه اینکه کمونیستها اولین قدم در راه انقلاب با سرز بندی کردن با دشمنان خلقها میبندند، پس چرا در جای که فدائیان از دشمن مکار و تجاوز کار خلقهای جهان "دفاع میکند باز آنها را در صف کمونیستها قرار میدهد؟

سوسیالیسم چپ و «پیکار»

مقاله زیر از طرف عده ای از هواداران حزب رنجبران در میانه برای ما ارسال شده که آن را درج می کنیم.

این معیار پیکار برای "حمایت از دیگر نیروها نه یک معیار مارکسیست لنینیستی، بلکه معیاری به غایت استیرونیستی است که پیکار" این قهرمان نبرد ضد امپریالیستی را در کنار امپریالیسم قرار میدهد. این توهمات پیکار از کجاش می شود؟ آیا معیار فقط داشتن "برنامه افشاگرانه" یا فقط ضد آمریکایی بودن است. اگر چنین باشد (که در نظر پیکار هست) "پیکار" اشتباه کرده است که به دارودسته قاسم و رای نداده و یاز کاندیداهای کمیته مرکزی حزب توده دفاع نکرده، منتها حزب توده در نظر پیکار "خیانت اش" در این است که "برنامه افشاگرانه" ندارد. این است معیار با اصطلاح مارکسیستی "پیکار". به نظر ما انحراف اساسی پیکار در شعار "مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران" منعکس میگردد. این انحراف از درک ضد لنینی پیکار از امپریالیسم ناشی میگردد. حالا باید دید که این شعار تا چه حد بر واقعیت منطبق است و تا چه حد با درک لنینی امپریالیسم سازگار است؟

لنین با مطالعه سیر تکامل سرمایه داری ظهور امپریالیسم را اعلام کرد. با ورود به دوران امپریالیسم، سرمایه ستم خود را از چار چوب ملی بیرون آورد و آزاد رنقل جهانی اعمال کرد و در این رابطه لنین شعار "پرولتاریای جهان متحد شوید" را به شعار پرولتاریا و خلقهای جهان متحد شوید تبدیل کرد. اما پیکار در عمل ستم جهانی امپریالیستی را رد میکند. چگونه؟ "ما بر اساس درک لنینی خود شوروی را یک کشور امپریالیستی میدانیم - همچنین سوسیال امپریالیسم روسیه را نیز از دشمنان مکار و تجاوز گر خلقهای جهان" روشن است که این سیاست نافی واقعیت سلطه یک امپریالیسم در یک کشور معین نمیشد. چنانکه در ایران امپریالیسم اصلی امپریالیسم آمریکا است و دیگر امپریالیستهای دارای نفوذ و منافع محدودتری میباشند. (ضمیمه پیکار ۴۹ - تأکید از ما).

نتیجه میگیرد که چون امپریالیسم اصلی آمریکا ستم دشمن اصلی نیز میباشد و چون دیگر امپریالیستها (که حتما روسیه جز آنهاست) نفوذ محدودتری دارند بنابراین نمیتوانند جزو دشمن اصلی باشند. استالین با تحلیل ریشه های تاریخی لنینیسم و باقیایست انقلاب در عصر سرمایه داری رقابت آزاد و عصر امپریالیسم میگوید: "سابقاً (در عصر رقابت آزاد) معمول بود که در باب انقلاب پرولتاریایی در فلان یا بهمان کشور مترقی بعنوان یک کمیت مستقل گفتگو میکردند که در مقابل جبهه جداگانه سرمایه همان

دیگری با پنهان کردن تجاوزگری و جنگ افروزی شوروی او را از زیر ضربات کشنده خلقها خارج میکنند اما چگونه؟ پیکار میگوید:

"امروز بر اثر عملگردهای قانونی رشد ناموزون اقتصادی - سیاسی سرمایه داری در جبهه جهان خواران توازن قوا تغییر یافته و امپریالیستها هر یک بر پایه قدرت کمونی خوددربی تغییر مناسبات و اوضاع حاکم بنفخ خویش میباشند. در این جدال امپریالیستها منگوشند تا سهم بیشتری از غارت و چپاول راه خود اختصاص دهند. و به این خاطر آنان به رقابت جدیدتر و فشرده تر دست میزنند تا در این زور - آزمایی رقابتی دیگر را وادار به عقب نشینی نمایند (پیکار - ۵۵ تأکید از ما) مقاله امپریالیسم آمریکا - سوسیال امپریالیسم شوروی و اوضاع منطقه) این است درک ضد لنینی پیکار از امپریالیسم که با جدا کردن مبارزات مردم ایران به عنوان یک کمیت مستقل و نام بردن از مبارزات مردم افغانستان، ایرانه، کامبوج بعنوان یک کمیت مستقل" دیگر به "جبهه عمومی همه کشورها" در برابر امپریالیسم ضربه میزند. پیکار با جدا کردن مبارزات ملل به عنوان یک کمیت مستقل ستم جهانی امپریالیسم و این اصل لنینی پرولتاریا و ملل ستمدیده جهان متحد شوید را رد میکند. پیکار در عمل سه رد انترناسیونالیسم پرولتری میرسد و در منقلب سوسیال سونیسم بورژوازی می غلطد. داشتن جنبش درک ضد لنینیستی و داشتن برجم دروغین در برابر سوسیال-امپریالیسم است که پیکار را وادار میکند به توجیه گران "دشمن مکار و تجاوزگر خلقهای جهان" رای دهند تا اینکه قطب با اصطلاح "چپ" در برابر ضد انقلاب دارای وجهه سنگینی باشد!

این درک ضد لنینی پیکار از امپریالیسم است که این قهرمان مبارزه ضد امپریالیست "در کنار امپریالیسم لیسیم قرار میدهد، منتها نه امپریالیسم به قول پیکار "دارای سلطه اصلی" بلکه امپریالیستی که نفوذ محدودتری دارد" و گویا فعلا با مسا کاری ندارد.

پیکار در این نظرانه پیکار نتیجه میگیرد که چون امپریالیسم اصلی آمریکا ستم دشمن اصلی نیز میباشد و چون دیگر امپریالیستها (که حتما روسیه جز آنهاست) نفوذ محدودتری دارند بنابراین نمیتوانند جزو دشمن اصلی باشند. استالین با تحلیل ریشه های تاریخی لنینیسم و باقیایست انقلاب در عصر سرمایه داری رقابت آزاد و عصر امپریالیسم میگوید: "سابقاً (در عصر رقابت آزاد) معمول بود که در باب انقلاب پرولتاریایی در فلان یا بهمان کشور مترقی بعنوان یک کمیت مستقل گفتگو میکردند که در مقابل جبهه جداگانه سرمایه همان

«قابل با پیشروی آن در این منطقه و درگیری در جنگ آینده است. (همانجا) ولی وقتی بحث به اینجا می رسد که کدامیک از این دو قدرت بزرگ حالت تهاجمی دارند با یک تحلیل از عملگردهای آمریکا، شوروی را به عنوان امپریالیستی که به تجاوزات آمریکا "جواب" میدهد نشان داده است. کائوتسکی مرتد نیز همین کار را کرد او نیز حالت تهاجمی امپریالیسم آلمان را پنهان میکرد.

«پیکار» در عمل به رد شدن ناموزون در عصر امپریالیسم میرسد.

پیکار به تعبیر توازن قوا اعتراف دارد ولی این تعبیر به نفع کثرت را پنهان میکند چون اگر این امر را قبول کند پیکار باید قسماً را که خورده است (اینکه تئوری سه جهان را قبول کند حتی اگر به درستی آن واقف باشد) بشکند! در ادامه بحث درک کائوتسکیستی پیکار از امپریالیسم به اینجا میرسد که پیکار با رد رشد ناموزون سرمایه در عصر امپریالیسم و رقابت انحصارات باعث میشود که یک سلسله از کشورها از دیگر کشورهای امپریالیستی جلوتر افتند. کئورهای استالین آنها را "دول امپریالیستی فرمانروا" میدانند و در سیاست خارجی اش نزدیکی به کشورهای تکیه ضعیف و غیر کامل حقوق شده میداند. (گزارش به کنگره ۱۵ ص ۲۹).

استالین در حاشی دیگر سیاست خارجی اش را چنین ترسیم میکند. "طایف حزب در رشته سیاست خارجی: فعالیت در راه حصول نزدیکی با کشورهای تکیه در جنگ امپریالیستی مغلوب شده اند با آن کشورهای تکیه، بیش از کلیه کشورهای سرمایه داری رنجاننده شده اند و بی نصیب مانده اند و بالنتیجه با اتحاد جکروای دول معظم مخالفاند" (گزارش به کنگره ۱۴ - ص ۵۰).

«پیکار» و رهبری سازمان چریکها

گردا گان پیکار سعی دارند با الفاظی به ظاهر ضد رویزیونیستی و داشتن موضع صرفاً ضد چریکی حساب خودشان را از رهبری فدائیان جدا کنند. آنها رهبری فدائیان را متهم میکنند که در مبارزه ضد امپریالیست روی یک امپریالیست تأکید میکنند (ضمیمه پیکار ۴۹) ولی خودشان وقتی صحبت از دشمن عمده خلق به میان میاید میگویند "سازمان آزادیبخش فلسطین و غیره و غیره نشانه های از عدم همکاری اروپا با آمریکا است.

تجاوزگر خلقهای جهان میدانیم (گویا خلق ایران جز "خلقهای جهان" نیست) و همصدا با رهبری فدائیان شعار نه شرقی، نه غربی را که گویای خواست استقلال طلبانه ملت ماست را بوج می دانند! اما چگونه؟ رهبری فدائیان میگویند: "شعار نه شرقی، نه غربی یک شعار

بوج و بی معناست" (کار-۵۲) این کلمات از چنین دارودسته ای که روی جنایات شرق پرده می افکند و از ان بنام اردوگاه سوسیالیسم نام می برد عبید نیست. صحبت بر سر پیکار این قهرمان "مد رویزیونیست است. موضع نه شرقی، نه غربی دولت "خیانت به توده ها است چرا که دشمن اصلی ایران آمریکا است. . . . بسیج مردم حول شعار نه شرقی، نه غربی در واقع منحرف کردن ذهن توده ها از دشمن اصلی خلقهای ایران و بنابراین خدمت به امپریالیسم آمریکا است. این شعار بیاتکر ضدیت بورژوازی و خرده بورژوازی با طبقه کارگر و ایدئولوژی وی در سطح جهانی مناسب است. (پیکار - ۴۹)

فاجعه اینجاست، بی سبب نیست که پیکار به فدائیان رای میدهد. این خط همان خط سایه است که دارودسته کمیته مرکزی حزب توده و رهبری غاصب فدائیان مبلغ اندند. در اینجا دو نکته ذکر میشود (۱- شعار نه شرقی، نه غربی - نافی شعار "دشمن اصلی ایران، آمریکا است" و "خدمت به آمریکا است" و مخالفت با ایدئولوژی طبقه کارگر در سطح جهانی است. روی مسئله اول بحث شد متنها پیکار در اینجا نیز با فدائیان همصدا است که "اصطلاح ضد علمی دوا بر قدرت اختراع خود امپریالیست است" (کار-۵۴).

دوم اینکه شعار مخالفت با ایدئولوژی طبقه کارگراست. پیکار از کدام ایدئولوژی کارگری دم میزند، ایدئولوژی که شما اثر رویزیونیست می نامید، یا اینکه مخالفت کردن با تجاوز و غارتگری امپریالیستی که زیر ناسک سوسیالیسم پنهان است و می خواهیم از تیغ برانش در امان باشیم، این ابورتونیسم تاب پیکار است. که با وجود اعتقاد به امپریالیستی بودن شوروی در برابر آن ترمش نشان میدهد و آنرا از زیر ضربات کشنده خلق بیرون میکشند و به بدتر از آن به مدافعین اش رای میدهند تا در واقع "قطب سوسیال امپریالیسم را قوی تر سازند.

ایدئولوژیست در هر شکلی امروز در زمینه ملی با درک غلط از مرحله انقلاب متحدین پرولتاریا را فراری میدهد و در زمینه بین المللی آنها سیاست ماشاات گری در برابر امپریالیسم روس در پیش میگیرند. هر چند که به خود رنگ و لعاب "مارکسیستی" و "ضد رویزیونیستی" زده باشند، در هر شکلی با وجود پیروزی "موتاش" بالاخره نابود است. چون مرتبه طبقاتی را می خواند که خود گورکن خود می باشد.



افغانستان

کابل: تدارک برای مبارزه‌های بزرگ

مبارزین افغانستان خود را برای یک نبرد گسترده با نیروهای ارتش شوروی مستقر در کابل آماده میکنند. هم اکنون چندین هزار مجاهد افغانی در گردنه پاکمان در بیست کیلومتری پایتخت موضع گرفته‌اند و راهپایانی را که بکابل ختم میشوند در کنترل خود درآورده‌اند. در اطراف شهر کابل نبردهای پراکنده میان مبارزین افغانی و ارتش شوروی در جریان است و هلیکوپترهای روسی دائماً در حال حمل مجروحین و کشته شدگان به کابل میباشند. در کوه دامون در ۷۰ کیلومتری شمال کابل نبرد شدیدی علیه نیروهای زرهی و هواتی شوروی در جریان است و در دره لالاندر در جنوب شرقی و مشرق کابل صدای انفجار گلوله‌ها شنیده میشود. در داخل شهر دانشجویان بدون ترس از روسها به پخش اعلامیه علیه حضور نیروهای نظامی شوروی در افغانستان مشغولند. کارمندان ادارات دولتی و دانشجویان و استادان به اعتصاب وسیعی دست زده‌اند و تعطیل عمومی اعلام نموده‌اند.

ارتش سوسیال فاشیسم شوروی بهراس افتاده است و از چند روز قبل دهکده‌های اطراف کابل را به دقت بازرسی مینمایند. جنگنده‌های روسی برای حمله به مجاهدین و فرودگاه کابل آماده پروازند. کارکنان شرکت هواپیمایی افغانستان برخلاف دستورات فرماندهان شوروی از پرواز در خطوط داخلی کشور خودداری نموده‌اند. امپریالیسم شوروی مجبور شده‌است قوای ذخیره ۲۵۰۰۰ نفری خود را که در مرز روسیه و افغانستان مستقر شده بودند از راه هوا به کابل منتقل کند، و از آنجا به نقاط استراتژیک اعزام دارد. کابل بوسیله ۴ لشکر از نیروهای روسی و ۲۵۰۰۰ تانک و زره پوش و دهها جنگنده‌های شکاری محافظت میشود.

نیروهای روسی در هفته گذشته تلفات بسیار سنگینی را متحمل شده‌اند. حدود ۶۰۰۰ سرباز روسی که بشدت زخمی شده بودند در بیمارستان نظامی کابل بستری شده از آن میان ۲۰۰ نفر هلاک شدند. گزارشهای دیگری حاکی است در یک پایگاه در ۱۷ کیلومتری جنوب غربی کابل در بزرگ راه قندهار بمدت ۲ ساعت درگیری بین مجاهدین و نیروهای روسی ادامه داشت.

برای حفظ امنیت و مقابله با دو ابر قدرت

هرات: تشکل روشنفکران میهن پرست

مقاومت و مبارزه روشنفکران، محصلان، دانشجویان و استادان شهر کابل از هنگام تظاهرات دانش آموزان دفتر مدرسه زرنومه کابل که بیش از ۶۰ کشته بجای نهاد، گسترش شدید پیدا کرده‌است. یک پروفیسور افغانی به خبرنگاران خارجی گفته است: "قتل عام و کشتن کودکان و دختران مدرسه‌های غیر مسلح نفرت ضد روسی را شدیداً در میان کابلی‌ها برانگیخت". از آن هنگام افشار بیشتری به مبارزه میهنی علیه تجاوز فاشیستی امپریالیسم روسیه برخاسته‌اند. جبهه اتحاد ملی که یک سازمان ملی میباشد و از روشنفکران ملی و اسلامی تشکل یافته‌است در تظاهرات ۲۱ آوریل دانش آموزان نقش بسیار داشته‌است. هم اکنون از طرف این سازمان شب‌نامه‌های وسیعی در شهر کابل پخش میگردد که مردم را دعوت به مقاومت و مبارزه، اعتصاب و تظاهرات مینماید. جبهه اتحاد ملی استادان دانشگاه، معلمان، دانشجویان و روشنفکرانی که "بدون تزلزل علیه امپریالیسم شرق و غرب مبارزه میکنند و عمیقاً از حق تعیین سرنوشت خلق افغانستان پشتیبانی مینمایند" را در درون صفوف خود میبیرد. در یکی از شب‌نامه‌های جبهه اتحاد ملی آمده‌است که "فقط چند خائن‌اند که به سازخارجی‌ها میرقصند. مقامات دولتی کابل باید بدانند که حتی روسها آنان را خائن میدانند و از آنان بعنوان یک اهرم برای پیشبرد مقاصدشان استفاده میکنند. این خائنین هیچ آینده‌ای ندارند".

کابل: پیشروی مبارزین افغانی

در نواحی غربی افغانستان، زدو خوردهای شدیدی جاری است. اخباری که از دهلی نو رسیده‌است حاکی از این میباشد که فرماندار هرات از طرف مقامات نظامی روسها دستگیر شده‌است و شهر هم اکنون در کنترل ارتش شوروی است. در فریه مله‌دان از توابع این ایالت در یک درگیری با مبارزین ۱۰۰۰ سرباز و افسر روسی و قوای دولتی کشته شدند. سوسیال فاشیسم روسی برای انتقام جویی دهکده را بمباران نمودند که ۵۰ زن و کودک کشته و عده‌ای مجروح شدند. چندین مسجد و خانه در این بمباران منهدم شدند. مجاهدین شهر هرات مدیر اداری استاندار هرات را به همراه ده تن دیگر از اعضای پرچم دستگیر و پس از محاکمه انقلابی اعدام نمودند. روسها ۱۶ تانک و ۴ فروند جنگنده شکاری از دست دادند.

بامیان لشکرگاه
در ایالت بامیان یک تیپ از باقی‌ماندگان ارتش افغانستان بر علیه رژیم ببرک کارمل شورش نمودند و بجاهدین پیوستند. استادان این ایالت نیز کشته شد.
در لشکرگاه ۶ تن از قوای دولتی در یک زدو خورد کشته شده و چندین دستگاه بیسیم از ۱۰۵ و از ۱۱۸ بگنیمت برده شد. ۴ نفر از اعضای حزب "پرچم" نیز بهلاکت رسیدند.

وحدت کشورهای منطقه ضروریست

اشغال افغانستان تشدید یافته‌است و امپریالیسم امریکا در صدد است در کنیا و سومالی نیز از تسهیلات دریایی و هوایی برخوردار شود.
کشورهای حوزه خلیج فارس در مقابل چنین خطراتی که امنیت و ثبات منطقه را بهم میزند و خلیج فارس را به یک گانگ جنگ تبدیل نموده‌است بایستی برخوردی هوشیارانه داشته

که در مقابل نفوذ و مداخله دوا بر قدرت موضع فعالی نداشته‌اند نیز اشغال نظامی افغانستان توسط امپریالیسم روسیه و تجاوز نظامی امپریالیسم امریکا به ایران را هر دو محکوم ساختند و خواستار قطع نفوذ و دخالت دو ابر قدرت در منطقه شدند. مقامات دولتی کویت نیز بارها خواستار برچیده شدن پایگاههای نظامی ابر قدرتها و خروج

حضور نظامی دوا بر قدرت شوروی و امریکا در منطقه خلیج فارس، صف آراییی ناوگانهای این دو قدرت نظامی افزایش تدریجی آنان و تقویت پایگاه‌های موجود در منطقه توسط امپریالیسم نظامی افغانستان توسط امپریالیسم شوروی صلح و امنیت این منطقه استراتژیکی را شدیداً بخطر انداخته است.
دوا بر قدرت با اعمال زور و فشار و تهدید کشورهای منطقه، با فروش اسلحه و اعزام مستشاران نظامی، باین کشورها مداخله می‌کند.

رنجبران و خوانندگان

«گربه را باید در حجله کشت!»

"چهارمین بار است که دست تاج و زگر روسیه از آستین مزدوران افغانی‌اش به حریم ایران عزیز دراز میشود. هنگامیکه محمود افغان راه افتاده بود و ولایت به ولایت ایران را از دم تیغ میگذراند اطرافیان سلطان حسین صفوی به حضورش میرسیدند که چه نشسته‌ای که محمود افغان از خراسان گذشت، گفت به صفهان که نرسیده، خبر آوردند که رسید به صفهان، گفت وارد که نشده، خبر آوردند که وارد شد. دورو برقصر است، گفت داخل که نشده، داخل که شد، گفت همین یک اطاق ما را بس که طرف از در وارد اطاق شد و سلطان حسین وزن و بجه‌اش را از دم تیغ گذراند این را داشته باشید.
میگویند تازه عروس و دامادی خوابیده بودند که دزدی از دیوار حیا ط پرید داخل با کمی سروصدا، هر دو برآشفته نیم خیز شدند. داماد پس از یک جمع و تفریق سریع به عروس گفت بگریز بخواب انشالله گربه‌است.
حالا برویم سراغ اصل مطلب، یعنی تاج و زبه خاک پاک ایران.

ابرقدرتها از چپ و راست دندان طمع برایمان تیز کرده‌اند و هر کدایم کوشش دارند این لقمه چرب را پیش از دیگری، بجایند. آمریکا ۱۵ ماه پس از شکست مفتضحانه‌اش از انقلاب اسلامی ایران به بهانه نجات جاسوسهای در گروگان، پس از یک تدارک دراز مدت با استفاده از اغتشاشات داخلی، در لحظاتی مناسب اقدام به تاج و زبه حریم

بینیم به فاصله‌ای در حدود یک ماه ابر قدرت دیگر که انتظار این حرکات را از رقیب خود آمریکا نداشت، بفرق افتاد تا در اجرای برنامها - پیش سرعت بیشتری بدهد. ابر قدرت روسیه که مسئله تاج و زبه ایران را درست از هنگام آغاز یورش به افغانستان، برای خود حل کرده بود و پس از حرکت اخیر آمریکا بفرق تریخ آن افتاد، اکنون در برابر این مسئله قرار گرفته‌است - و شاید هم آنرا برای خودش حل کرده‌است - که چگونه و از کجا تاج و زبه ایران را آغاز کند. امپریالیستها با بهانه‌هایی بهانه‌های بهتر از حمایت انقلاب ایران از انقلاب و انقلابیون استقلال طلب افغانستان، دنبال کردن رزمندگان افغانی - که برای مسئولین ما هم مسئله حل شده است - دارند کم شکل عادی بخود میگیرند، عکس العمل مقامات مسئول چقدر شبیه است به داستان معروف، انشاءالله گربه‌است، و عکس العمل لازم شدید چقدر شبیه عکس العمل سلطان حسین - منهای عکس العمل قاطع وزیر خارجه در کنفرانس کشورهای اسلامی.

اما ملت ایران و مقامات مسئول اگر میخواهند شایسته نمایندگی این ملت را داشته باشند، نه باید راه آن تازه داماد را برویم و نه سیاست سلطان حسین را دنبال کنیم، بلکه به مصداق گربه را باید در حجله کشت، قاطعانه این تاج و زت را محکوم کنیم و جواب گلوله‌ها را با خمپاره بدهیم و از خر سطلی کاغذی روسیه و برکاغذی آمریکا بی

کشورهای آسی در ایجاد قطبهای طرفدار خود مینمایند .
امریالیسم شوروی مدتهاست یمن جنوبی را یکی از پایگاههای نظامی خود تبدیل کرده است و در جزیره سکورتا (متعلق به یمن جنوبی) زیردریاییها و ناوگانهای روسی دائما در رفت و آمد هستند . اخیرا نیز با استفاده از تضادهای موجود در منطقه

۲۴۴ میلیمتری ۷۰۰ نفری قبلا به یمن شمالی تحویل داده است . تعداد مستشاران نظامی روسیه در یمن شمالی به ۲۳۰ نفر میرسد .
در عین حال امریالیسم امریکا پس از تلاشهای بسیار موفق شد در هفته گذشته تسهیلات هوایی و دریایی در عمان بدست آورد .
تلاشهای امریکادر منطقه پس از

باشند ، صفوف خرد شده تر سازند با وحدت و یکپارچگی هر چه تمامتر و اتکا به نیروی خود امنیت و استقلال خود را حفظ نمایند .
تطور هوشیاری کشورهای خلیج فارس را میتوان بوضوح در کنفرانس کشورهای اسلامی در اسلام آباد مشاهده نمود .
در این کنفرانس کشورهای عربستان سعودی

آنان از این منطقه شده اند .
حفظ ثبات و امنیت منطقه خلیج فارس در گرو خروج ابرقدرتها از این منطقه و برچیدن پایگاههای آنان میباشد .
در عین حال که اتکا به نیروی خود و فشرده تر ساختن وحدت کشورهای منطقه در برابر ابرقدرتها نتظار رسیدن باین هدف است .

ایران نمود ، که در نتیجه بد هوشیاری و کوشش ما ، بلکه بد شانس در نقطه خفه شد و موجب یک آبروریزی بزرگ بین - المللی برای آمریکا گردید .
این حادثه به ظاهر با دید ما را بیدار میکرد و در س لازم را به ما میداد ، ولی سی -

و همه ای نهاد سبب است .
با کونا آ مدن و عسادی جلوه دادن این تجاوز آشکار دست تجاوزگر را به تجاوز و ملت ایران را به تحمل تجاوز عادت ندهیم .
یک خواننده رنجبر

رویدادهای اقتصادی

تب گرانی به این زودیا فروکش نمیکند

علل گرانی را باید اساسا در تنگناها و بین بستهای سرمایه داری وابسته بارت رسیدن توانایی دولت جمهوری اسلامی در حل مسائل اقتصادی ملی یافت .
رژیم مزدور شاه که کارگزار امریالیسم امریکا بود هر آنچه در قدرت داشت بکار برد که تا آنجا که امکان دارد تولید ملی کشور را تضعیف کرده و ایران را بصورت یک کشور مصرف کننده کالاها و امریالیستی در آورد .
ایران نفت را میفروخت و پولش را از امریالیستها جنس میخرید . کاری که الان هم مجبور است بکند .
اساسی ترین وظیفه دولت جمهوری اسلامی ، که از نظر طبقاتی اقشار و طبقات بورژوازی غیر وابسته رانمایندگی میکند این بوده و هست که تمامی قوای مردم را برای بحرکت در آوردن و بازسازی و نوسازی بنیادهای اقتصاد ملی و قطع وابستگی بسیج کند .
زیرا تنها وقتی میتوانیم از آثار مخرب و زیانبار تورم وارداتی و گرانی و ...
بگیری رهایی یابیم که در آمد مان را تولید ملی مان تامین کند نه دلارهای نفتی .
اما دولت جمهوری اسلامی هنوز که یکسال و نیم از انقلاب میگذرد دارد با تعدد مراکز قدرت سروکله میزند و مهمترین مسئله اش تثبیت قدرت خود و ایجاد ثبات سیاسی است زیرا هنوز نتوانسته این مسئله را حل کند .
در چنین اوضاع و احوالی مسلم است که نمیتوان صحبت از اقدام جدی در زمینه شکوفایی اقتصاد ملی و در نتیجه حل مسئله گرانی و بیکاری نمود .
چرا که بخش عظیمی از بحران کنونی اقتصاد ایران ناشی از خصلت و ذات وابستگی است .
در واقع بحران را امریالیسم به جامعه ما تزریق کرده است .
گذشته از اینکه رژیم سابق جلوی شکوفایی تولید ملی را میگریخت ، با افزایش بی رویه حجم پول در گردش ، سبب افزایش سریع قیمتها میشد .
اقتصاد سیاسی مارکسیستی معتقد است که اگر سرعت گردش پول ثابت باشد و حجم آن افزایش یابد بناچار قیمت کالاها باید اضافه شود .
حجم پول در گردش ایران در شهریور ۵۷ ، یعنی در کمترین انقلاب اسلامی ، به ۴۵۰ میلیارد ریال میرسد که این رقم نود و سه ماه بعد دوبرابر شد ، یعنی به ۹۰۰ میلیارد ریال رسید .
هر چند که گسترش دامنه اعتصابات و فلج شدن اقتصاد کشور ، سرعت گردش پول را کاهش داد ، اما پس از پیروزی انقلاب با شروع مجدد فعالیتها و اقتصادی ، بناچار بیبستگی شاهد تاثیرات ویرانگر این اقدامات شاه باشیم ، که هستیم .
هر چند ضعف و عجز دولت در اتخاذ سیاستهای پولسی و مالی مناسب عامل بسیار مهمی در این امر بود .
اما این افزایش بی رویه حجم پول منحن آستانه انقلاب نبود .
رژیم شاه حجم پول در گردش ایران را در فاصله سالهای ۵۵-۵۶ از ۱۱۷ میلیارد ریال به ۶۱۱ میلیارد رساند ، در حالیکه میزان رشد تولیدات ملی بهیچ وجه یاری مقابله با این سیاستهای دیوانه و ارشاه را نداشت .
اگر به میزان حجم پول در گردش در سه سال گذشته یعنی از سال ۵۶-۵۸ بشیریم و این مسئله مهم را در نظر بگیریم که از سال ۵۵ باطلوع بحران هیچگونه سرمایه گذاری قابل توجهی در کشور نشده و افزایش چندانی در حجم کالاها و مصرفی ضروری بوجود نیامده ، به ابعاد فاجعه بار سیاستهای پولی دولت های گذشته و وضع کنونی پی میبریم .

گرانی پیداد میکند

بقیه از صفحه ۱

سال	حجم پول در گردش (میلیارد ریال)
۵۶	۷۹۰
۵۷	۱۲۳۶
ده ماهه اول ۵۸	۱۴۴۰

بخش مهمی از تورم کشور وارداتی بوده و هست . یعنی ما مجبوریم تقریبا همه چیزمان را از خارج بخریم و چون قیمتها در خارج مرتبا افزایش می یابد و برابری پول مادر مقابل ارزهای مهم اروپایی کاهش می یابد ، در نتیجه مجبوریم هر ساله جنسها و ارگان و گرانتر از قبل بخریم این امر اولین معنی اش اینست که قدرت زحمتکشان ایران مرتبا کاهش می یابد .
اما نکته نگذاریم دولت جمهوری اسلامی با یک سلسله اقدامات مانند منع معاملات و کاهش واردات کالاها و غیر ضروری ، توانست تاحدی جلوی شتاب گریزنده بحران گرانی را بگیرد .
بطوریکه واردات مادر سال ۵۸ به ۶۸۶ میلیارد ریال رسیده در حالیکه در سال ۵۶ در حدود ۱۱۱۸ میلیارد ریال بود ، یعنی تقریبا ۴۵ درصد کاهش یافت .
اما اگر زندگی اقتصادی جامعه ایران را درست خود را که همان شکوفایی اقتصاد ملی است نباید ، هیچ راهی جز از جگری تب بحران کنونی نمیماند و عواقب بحرانیهای وخیم اقتصادی نیز بر همه روشن است .
بهر حال اساس مسئله گرانی را باید در عوامل اقتصادی جست .
عوامل اقتصادی از فروری سیستم تولید گذشته و سردرگمی فعلی آن شروع شده به نارسایی و انحصار در سیستم توزیع و رکود و بیماری سیستم بانکی و فقدان سیاست اقتصادی روشن و جامع و ... می انجامد .
در شرایطی که هیچ برنامه ای و تضمینی برای تولید نیست ، در شرایطی که وضع اعتبارات معلوم نیست .
در شرایطی که هیچ کانال مطمئنی برای بحرکت در آمدن درآمدهای اضافی نیست ، حتی بلائی بسریعه بانکی در آورده اند که بانک هم بزور میتواند پس اندازها را جلب کند ، در شرایطی که وضع کارگری روشن نیست ، در شرایطی که حتی وضع مالکیت زیاد روشن نیست ، چه تضمینی وجود دارد که درآمدها راهی واحدهای تولیدی شوند و سرمایه گذاری در رشته های تولید ملی افزایش یابد .
رشد شگفت انگیز واحدهای خرده فروشی در شهرها یکی دیگر از عوامل گرانی است .
یک حساب سرانگشتی و نزدیک به یقین نشان میدهد که در تهران برای هر ۲ نفر یک واحد فروش وجود دارد یعنی برای هر چهار خانواده تهرانی یک واحد فروش بوجود آمده است .
در حالیکه در کشورهای اروپایی برای هر ۴۰۰ نفر یک واحد فروش وجود دارد .
در شرایطی که تولیدات و واردات کاهش یافته است ، زیاد شدن دستها در امر فروش ، سبب میشود قیمتها برای تامین معاش اینهمه فروشنده بالا برود .
یکی دیگر از عوامل اقتصادی که به گرانی دامن زده ، افزایش دستمزد کارگران به شکل فعلی است .
شکی نیست که باید قدرت خرید کارگران و زحمتکشان مرتبا افزایش یابد ، اما بالا بردن دستمزدها بشکلی که وزارت کار انجام داد ، به دوستی خاله خر سه شبیه بود تا بفکر بگر برای رفاه کارگران و زحمتکشان .
مثلا وقتی وزارت کار میباید ۱۳ درصد به دستمزدها اضافه میکند ، آیا نباید حساب کند ، که این افزایش موقتی موثر واقع میشود که حداقل ۱۳ درصد افزایش تولید و با افزایش حجم کالاها ضروری در بازار داشته باشیم ؟
در شرایطی که تولید تقریبا فلج است ، وقتی دستمزد اضافه شد ،

نرخ تورم در ایران به ۵۰ درصد رسید

سرمایه دار هم با سانی به قیمت محصولات خود میافزاید و در نتیجه کارگر باید پول با زهم بیشتری برای خرید از دسترنجش بپردازد .
در یک کلام ، گرانی برای اینست که عرضه جوابگوی تقاضا نیست .
و برای اینکه عرضه و تقاضا متعادل شوند ، اساسا باید به رشد و گسترش تولید ملی مبادرت کنیم .
در عین حال باید در سیاست وارداتی تجدید نظر اساسی نمود و واردات را در جهت رشد تولیدات ملی و تامین معاش خلق در آورد .

عوامل غیر اقتصادی گرانی بدون شک نمیتوان از نقش بسیار مهم عوامل غیر اقتصادی و عمدتا سیاسی در گرانی فعلی چشم پوشید .
مهمترین این عوامل هرج و مرج و عدم ثبات سیاسی است .
اولین نتایج این وضع اینست که سیاست روشنی برای اقتصاد کشور نداشته باشیم و هیچگونه تضمینی ، تأمین و پشتیبانی برای سرمایه گذاری وجود نداشته باشد .
پس از پیروزی انقلاب با برچیده شدن بسیاری از قید و بند های سرمایه داری وابسته مانند اتاق اصناف و "مرکز بررسی قیمتها" ریش و فیچی در توزیع و قیمت گذاری بدست تولیدکنندگان و بازرگانان سودجو افتاد و مردم ماندند و انصاف این سودجوها ، که نتیجه اش را مینگرید .
کنترلی که از سوی اتاق اصناف و "مرکز بررسی قیمتها" اعمال میشد در جهت منافع سرمایه داری وابسته بود ولی لازم است که در شرایط فعلی از طریق ارگانهای مردمی و اتحادیه های صنفی ، که بمعنای واقعی صنف خود را نمایندگی میکنند ، قیمتها تعیین شود .
در این رابطه روزنامه انقلاب اسلامی چندی پیش گزارشی داشت از توزیع و فروش آهن در تهران .
در این گزارش آمده بود که اتحادیه صنف آهن فروشان تهران ۱۵ نفر را مأمور توزیع آهن کرده است که از این عده ۸ نفر توزیع را در دست خود قبضه کرده اند و ۷ نفر دیگر اصلا معلوم نیست چه کسانی هستند ، در عین حال گردانندگان اتحادیه بطور تشریفاتی از طریق انتخابات برگزیده شده اند ، اما از میان ۱۲۰۰ آهن فروش تهران در انتخابات هیئت مدیره تنها ۲۰۰ نفر شرکت داشتند و غالب اینکه اعضای هیئت مدیره حاضر نشدند صورت جلسه انتخابات را به خبرنگار انقلاب اسلامی نشان بدهند !
همین یک نمونه بعنوان مشتکی از خروار کافی است تا نشان دهد که چه سیستم انحصاری فاسدی بر توزیع و قیمت گذاری کالاها حاکم است و چقدر ضرورت دارد که اتحادیه ها واقعا اتحادیه اصناف شوند ، نه اتحادیه سرمایه داران بزرگ تنها یک چنین اتحادیه هایی میتواند تا حد زیادی از اجحاف سرمایه داران بزرگ جلوگیری کنند .
در میان عوامل غیر اقتصادی ، علاوه بر تشتت میان حاکمین و نقش مخرب محتکرین واسطه ها و سودجویان باید از اخلال بوروکراسی هم صحبت کرد بوروکراسی عریض و طویل پس مانده از دوره طاغوت ، که بر اساس حاکمیت امریالیسم و سرمایه داری وابسته شکل گرفته ، بهیچ وجه نمیتواند ابزار اجرای سیاستهای ملی در اقتصاد باشد ، چرا که با ذات و خصلتش مغایر است .
دگرگونی در ساخت و کارکرد بوروکراسی دولتی بی شک یکی از ضروریات گام نهادن در راه شکوفایی اقتصاد ملی است .
تنبلی و کم کاری و کار شکنی ای که این بوروکراسی در اجرای همین سیاستهای دست و پا شکسته دولت نشان داده و میدهد خود یکی از عوامل تشدید بحران و در نتیجه افزایش قیمتها بوده است .

مصاحبه با هیئت نمایندگی ایتالیا در کنفرانس بین‌المللی تهران:

ما مدافع گسترش روابط اروپا با جهان سوم هستیم

من درباره این کنفرانس اینست که محاکمه آمریکا در واقع در همین جا دارد انجام می‌گیرد.

جواب آقای انسکریو: ما فکر می‌کنیم که محاکمه سیاسی گروه رهبری کننده آمریکا در واقع در این کنفرانس صورت گرفته است و این عمل می‌تواند به تغییر این سیستم کمک کند. البته ما فرق می‌گذاریم بین رهبری و مردم آمریکا. امروز اروپا و دنیای مرفقی نیز در حال محاکمه آمریکا است، یک محاکمه سیاسی. گروهی هم از آمریکا در این کنفرانس شرکت دارند که در کشور خود اهمیت زیادی دارند و سیاست رهبری آمریکا را محکوم می‌کنند. درخاسته باید بگویم که بنظر من بخشش و عفو اسلام می‌بایست برجسته‌تر از شمشیر اسلام باشد.

سوال: روابط ایران و ایتالیا را در آینده چگونه می‌بینید؟

جواب آقای برتولتی: قبل از هر چیز، روابط ما در ارتباط با آشنائی، اطلاعات و درک متقابل خیلی بیش از اینها باید وسعت یابد. ما قادریم مشترکا علیه محاصره ایران کار کنیم. روابط اقتصادی ما با حفظ منافع و احترام متقابل باید وسعت پیدا کند. منافع ایتالیا در اینست که تعداد ملت‌های آزاد جهان بیشتر شوند. روابط فرهنگی ما نیز باید توسعه یابد، بخصوص ما احتیاج به شناخت بیشتر از قوانین اسلامی و فرهنگ آن داریم. جنبش کارگران اروپا باید آزاد و مستقل گردد و از "اروپا مرکز بینی" بیرون بیاید. توسعه روابط با جنبش‌های کارگری اروپا به نفع

جنبش اسلامی نیز هست. امیدواریم که حضور ما در این کنفرانس گامی باشد در جهت صعود به پله‌های بعدی. ما مطمئناً در ایتالیا به نفع انقلاب اسلامی ایران گام برخواهیم داشت.

مصادف است با شروع انتخابات تدارک برای انجام انتخابات داخلی شهرداری‌های ایتالیا و مضمون تم تبلیغاتی ما بیشتر در زمینه سیاست خارجی و بخصوص ایران خواهد بود. حضور ما در این کنفرانس کار تبلیغاتی ما را در این انتخابات وسعت خواهد بخشید. ما مدافع گسترش روابط اروپا و بخصوص ایتالیا با جهان سوم هستیم و در واقع باید بگویم که یک انقلاب زمانی پیروز خواهد شد که پشتیبانی نیروهای انقلابی و مرفقی جهان را نیز داشته باشد.

سوال: درباره این کنفرانس چگونه قضاوت می‌کنید؟

جواب آقای اینگراشو: قضاوت نهائی در رابطه با این کنفرانس را می‌توان در پایان جلسه انجام داد ولی همین که نیروها و کشورهای مختلف با هم اتحاد کرده‌اند، نشانه مفید بودن آنست. ما امیدواریم که بتوانیم مسائل مطروحه در این کنفرانس را بهتر بشناسیم و بیشتر در میان مردم جهان اشاعه دهیم.

جواب آقای پانتی: من مایلیم بگویم ما مبارزه را محدود به ایتالیا نکردیم بلکه در پارلمان اروپا نیز جنگیده‌ایم. ما کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها قرار شده که با پارلمان ایران و پارلمان اروپا رابطه برقرار کنیم. البته آقای بنی‌صدر از پارلمان اروپا برای شرکت در این کنفرانس دعوت کردند ولی بعلت حضور اکثریت محافظه کاران در پارلمان، این دعوت پذیرفته نشد، لذا ما خودمان آمدیم. من بعنوان یک دوست صمیمی مردم ایران از صمیم قلب می‌گویم که بهترین شکل محکوم کردن رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا، ایجاد ایرانی مستقل و قوی از نظر اقتصادی است و برای ساختن ایرانی قوی و مستقل باید سدی را که همین مساله گروگان‌ها است از جلوی راه برداشت. مساله گروگان‌ها به نیروهای محافظه‌کار در اروپا اجازه داده است تا بیش از پیش پیشروی کنند، در صورتیکه با حل مساله گروگان‌ها، خیلی بهتر میتوان اروپا را با ایران متحد و پشتیبان کرد. قضاوت

بندگان کارگران ایتالیا، با کارگران ایرانی احساس نزدیکی و همبستگی می‌کنیم و با کمال اشتیاق انقلاب ایران را دنبال

می‌کنیم. علت حضور ما در این کنفرانس اعلام پشتیبانی کارگران ایتالیا از کارگران ایران و از انقلاب ایران است. جنبش سندیکائی ایتالیا تاثیر فراوانی بر دولت و نیروهای حاکمه داشته است. جنبش سندیکائی ایتالیا که من نماینده آن هستم با دانشجویان ایرانی و سایر عناصر میهن پرست ایران در ایتالیا همکاری داشته است. در مورد تجاوز نظامی اخیر آمریکا به ایران نیز باید به نقل قولی از ما اشاره کنم که می‌گوید: وقتی گاو وحشی در محاصره قرار گیرد، حمله می‌کند و شاخ می‌زند. بنظر من این عمل آمریکا بسیار خطرناک بود و تنها بخاطر مساله گروگان‌ها صورت نگرفته، بلکه هدف آن عقب راندن انقلاب ایران بوده است.

جواب آقای برتولتی: حضور من در اینجا بمنظور پشتیبانی از انقلاب اسلامی ایران است. باید بگویم که غرب دید محدودی نسبت به اوضاع ایران دارد و یکجانبه‌گری میکند. بنظر من استقلال یک مملکت فقط نظامی و سیاسی نیست، یک ملت زمانی استقلال کامل کسب می‌کند که فرهنگ و تاریخ اصیل خود را نیز باز یابد. بدون داشتن یک ما هیت فرهنگی نمی‌توان استقلال را کسب و حفظ کرد. غرب معمولاً دید نادرستی نسبت به اسلام دارد و آنرا با دنیای تاریک گذشته غرب مقایسه می‌کند. این یک دید احمقانه است زیرا ما میدانیم که در دوران قرون وسطی نیز فرهنگ‌های غنی و قوی موجود بوده‌اند. من فکر می‌کنم که این نحوه برخورد به انقلاب، یک نوع برخورد نژاد پرستانه فرهنگی است و باعث میشود که حتی به نفع خودمان نیز نتوانیم کاری بکنیم. من از طرف سندیکائی قدرتمندی صحبت می‌کنم و همانگونه که دوستان و رفقا گفتند ما پس از شرکت در این کنفرانس، اطلاعات و برداشت‌های بیشتری در مورد مداخلات آمریکا در ایران و خود انقلاب ایران خواهیم داشت که میتوانیم آنها را برای مطلع کردن افکار عمومی ایتالیا و فشار بر دولت ایتالیا بکار ببریم تا دولت دست از محاصره اقتصادی ایران بردارد. این روزها

خبرنگار رنجبر موفق گردید با هیاتهای نمایندگی برخی کشورهای شرکت کننده در "کنفرانس بین‌المللی بررسی مداخلات و تجاوزات آمریکا در ایران" که در هفته گذشته با موفقیت در تهران برگزار گردید، مصاحبه‌هایی به عمل آورد که در شماره‌های مختلف رنجبر به درج آنها اقدام می‌کنیم. در این شماره مصاحبه خبرنگار رنجبر را با هیات نمایندگی ایتالیا ملاحظه می‌کنید.

هیات نمایندگی ایتالیا در کنفرانس بین‌المللی تهران متشکل بود از: آقای سنا تور سالاتی، مسئول روابط خارجی حزب کمونیست ایتالیا، آقای پانتی، عضو حزب کمونیست ایتالیا و نماینده پارلمان اروپا، آقای اینگراشو، عضو حزب کمونیست ایتالیا و رئیس سابق مجلس و نماینده فعلی مجلس، سنا تور داریو والوری، عضو حزب کمونیست ایتالیا و معاون مجلس سنا، آقای گایانا، عضو حزب دمکرات پرولتاریا و نماینده پارلمان اروپا، آقای برتولتی، نماینده سندیکائی کارگری و نماینده مجلس، و آقای انسکریو، عضو سازمان حقوق بشر.

در زیر بخش‌هایی از مصاحبه را می‌آوریم:

سوال: علت شرکت شما در کنفرانس بین‌المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران چیست؟

جواب آقای اینگراشو: دلایل شرکت ما در کنفرانس واضح و روشن است. از یکطرف ما معتقدیم که انقلاب ایران دارای اهمیت زیادی در سطح جهانی است و از طرف دیگر فکر می‌کنیم که پایه گرفتن و تحکیم حکومت فعلی ایران از نظر پیشبرد امر صلح جهانی اهمیت فراوانی دارد. شرکت ما در این کنفرانس از یکسو بدین علت است که نشان دهیم پشتیبان انقلاب ایران هستیم و از سوی دیگر با تبادل نظرات خود با مقامات ایرانی و شنیدن نقطه نظرات آنها راه نزدیک‌تر شدن به صلح جهانی را مشخصتر بیابیم.

ما بعنوان گروه کمونیست‌ها نسبت به محاصره اقتصادی ایران اعتراض کرده‌ایم. حزب ما در ایتالیا بسیار قوی است و ما توانسته‌ایم در بسیاری از نقاط به روی دولت تاثیر بگذاریم. تا حدودی نیز توانسته‌ایم در تخفیف محاصره اقتصادی علیه ایران موثر باشیم. اخیراً به علت فشار ما، دولت ایتالیا مجبور گشته تا علیه مداخله نظامی آمریکا در ایران موضع گیری کند. اکثریت دولت در دست ما نیست ولی اکثریت مردم با اقدام محاصره اقتصادی علیه ایران مخالفند. و ما توانسته‌ایم نیروهای زیادی را به محکوم ساختن دولت آمریکا بکشانیم.

جواب آقای گایانا: ما بعنوان نما

توضیح درباره شرکت خبرنگاران رنجبر در کنفرانس بین‌المللی تهران

همانطور که در رنجبر شماره ۶۰ (۱۳ خرداد) اطلاع دادیم، مقامات انتظامی و مسئول کنفرانس تهران از ورود خبرنگاران رنجبر به سالن کنفرانس خودداری کرده بودند. لکن بدنبال اقدامات و اعتراضاتی که نسبت به این منع ورود از جانب حزب ما به عمل آمد، خوشبختانه مقامات مسئول در دومین روز کنفرانس سرانجام به خبرنگاران ما اجازه ورود و شرکت در کنفرانس را دادند. متأسفانه در شماره گذشته رنجبر توضیح این مساله از قلم افتاد. که بدینوسیله از خوانندگان پوزش می‌طلبیم.

نمایشگاه عکس در میدان آزادی



انجمن تئاتر هنرمندان ایران یک سلسله برنامه‌ها را در زمینه آزادی و توسعه در میدان آزادی تهران برای تماشای عموم به نمایش گذاشته است. این برنامه‌ها که همگی از تولیدات همین انجمن است شامل نمایشگاه عکس با عنوان «نه شرقی، نه غربی جمهوری اسلامی میباید از اولین نقطه‌های نفوذ امپریالیسم امریکادر ایران در سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۱ چیدن بساط لانه جاسوسی، همراه با مبارزات پیگیر مردم ایران رهبران ملی و مذهبی برای کسب استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را تصویر کرده است.

این تصاویر در دو شکل عکس و پرده‌های درویشی که از سنتهای نقالی ایران است نمایش داده می‌شود. در بخش دیگری از این نمایشگاه مناسبات میان دو بر قدرت جهان خوار آمریکا و شوروی که تحت پوشش تشنج زدانی خود را برای تقسیم مجدد عالم آماده میکنند و نیز تصاویری از مبارزات خلق دلاور افغان علیه تره‌کی - امین - کارمل و اربابان روسی شان نشان داده می‌شود. نمایشگاه فوق و نمایش فیلم و تئاتر بمناسبت معیت حضرت محمدا ز ۲۳ - ۲۱ خرداد ماه از ساعت ۷ صبح تا ۷ بعد از ظهر برای تماشای عموم در ایستگاه برگزاری این برنامه‌ها نمونه منجبتی است از کوشش هنرمندان برای نشان دادن سمت و سوی هنر و فرهنگ واقعی مردمی با استفاده از سنتهای ملی و توده‌ای.

تخریب ابنیه تاریخی یک انتقام جوئی انحرافی و تنگ نظرانه است

دروگوشوکنار در شهرهای مختلف کشورمان شاهد ویران کردن آثار و بناهای باستانی هستیم. عده‌ای به دلایل و توجیحات گوناگون، از جمله «این اثر در زمان فلان شاه ظالم و یا بدست بهمان سلطان جنایتکار ساخته شده است، پس باید از بین برود» و ... آثار باستانی را خراب میکنند. آثاری که جزئی از فرهنگ ملی و میهنی ماست.

این کارها با هر توجیه و استدلالی صورت گیرد خط بطلان کشیدن بر فرهنگ دیرینه سرزمینمان و کوتاه کردن رشته‌های ارتباطی مردم با تمدن و فرهنگ بدران و اجداد خود است. اینکار از دست گرفتن ابزار شناخت مردم از هویت فرهنگی گذشته خویش که تکیه گاه با ارزشی در مبارزه علیه فرهنگ امپریالیستی و کسب استقلال میباشد، است.

ابنیه تاریخی میتواند به مردم در شناخت فرهنگ و تمدن مستقل کشور خود و تقویت احساسات ملی آنها کمک کرده و در خدمت توده‌ها قرار بگیرد. اگر غیر از این بود این آثار در طی سالهای گذشته با مرگ سازندگانشان نابود میشوند.

فرهنگ نوین ما از فرهنگ دوران باستانی بیرون میاید از این رو ما باید به تاریخ خود احترام بگذاریم

و نه آنکه رشته تکامل را قطع کنیم. ما باید میراث پرغنا و بهترین سنتهای فرهنگی هنری معماری و ... را که از ایام قدیم به ما رسیده‌اند حفظ کنیم ولی باین هدف که آن را در خدمت توده‌های مردم بگذاریم.

تخریب ابنیه باستانی یک انتقام جوئی تنگ نظرانه است و از روحیات انقلابیگری کاذب و قلابی که هیچ دردی را از دردهای توده مردم دوام نمیکند سرچشمه میگیرد. کسانی که این اعمال را تحریک و سازماندهی میکنند از درک این مطلب عاجزند که اگر چه بسیاری از این آثار در زمان شاهان جلاد ساخته شده ولی این جلادان هیچ نقشی در ساختن و بنا کردن این آثار ندارند این بناها که دسترنج توده‌های زحمتکش است با زحمت مردم ستمدیده و ذوق و ابتکار هنرمندان ایران تهیه شده است و متعلق به توده‌های مردم و ملت ماست نه شاهان حبار. لذا تخریب این آثار به هیچ شرمند فرهنگ، ابتکار و ذوق و تلاش مردم میهن ما، تخریب در فرهنگ ملی ما و تلاش در جهت بی‌هویت ساختن ملت سرافراز ماست.

از اینرو با چنین اعمال منحرفی باید قاطعانه مبارزه کرد و در مقابل آن شدیداً ایستادگی نمود.

سوسیال فاشیستهای روس هیچ طرحی را برای خروج از افغانستان نمی پذیرند

هیچ مذاکره‌ای بپذیرند. آنها خواهان خروج بدون چون و چرای ارتش اشغالگر روس از خاک میهن خود هستند و این خواست بحق ملت افغانستان است.

اما وقاحت سوسیال فاشیستهای روس از سلف هم مسلک خود هیتر پیشی گرفته است. آنها هیچ سخنی را که در آن رعایت حق حاکمیت ملت‌ها و استقلال کشورها در آن گنجانده باشند نمی پذیرند زیرا منافع غارتگرانه و اهداف سلطه جویانه آنها تنها با اسارت ملت‌ها سیراب میشود. سوسیال فاشیستهای روس اهدا فله‌ای را در منطقه خلیج فارس تعقیب می کنند که اشغال افغانستان می‌شود و آنست. سوسیال فاشیستهای روس هیچوقت خاک افغانستان را به میل خود ترک نخواهند کرد. تنها مقاومت سخت و مبارزه قاطعانه خلقهای این منطقه است که میتواند جلوی تاج و زات این ابرقدرت مهاجم را بگیرد.

"پراودا" ارگان حزب سوسیال فاشیستهای حاکم بر شوروی به نقل از خبرگزاری تاس نوشت که کرملین هیچ کاری به کمیته سه نفری ایجاد شده از سوی کشورهای اسلامی برای حل بحران افغانستان ندارد. و طرح این کمیته برای رهبران کرملین غیر قابل پذیرش است. مگر کمیته رسیدگی به بحران افغانستان (مشکل از حبیب سٹی، آقا شاهی، قطب زاده) چه چیز شافی از سوسیال فاشیستهای کرملین خواسته بود؟ این کمیته حتی حاضر به مذاکره با طرفهای درگیر و حتی تسویه حساب رژیم دست نشانده و غیر قابل قبول لبرک کارمل شد تا مسئله اشغال افغانستان رسیدگی شود و استقلال و حاکمیت این ملت مظلوم و قربانی تجاوز فاشیستی روسیه تاء مین گردد.

طرح این کمیته حتی بطور کامل مورد موافقت مجاهدان افغانستان نیست چرا که این مجاهدان بهیچوجه حاضر نیستند رژیم منفرد و یوشالی لبرک را در

بسط روابط بازرگانی

میان معدود کشورهایی که سعی میکنند مستقل باشند و نیز کمک رومانی به ایران در زمینه‌های مختلف که در جهت قطع وابستگی‌های ایران میباشد ذکر شده.

بسط روابط اقتصادی ایران با رومانی نمونه خوبی از سیاست بازسازی اقتصاد کشور با کمک گرفتن از کشورهای دوست و استقلال طلب است کشور ما در حالیکه باید اساساً به نیروی خود در بالابردن تولید و شکوفایی اقتصاد ملی تکیه کند، باید از همکاری متقابل با کشورهای جهان سوم نظیر هند و ترکیه و کشورهای نظیر رومانی که با جدیت از استقلال خود دفاع مینمایند استفاده کند. این همکاری هاهم برای طرفین سود آور است و هم به رشد اقتصاد ملی ما بدون وابسته شدن به یکی از دو ابر قدرت کمک مینماید.

است. حجم مبادلات ایران و رومانی که قبلاً ۵۰۰ میلیون دلار بوده به ۸۰۰ میلیون دلار رسیده و قرار شده رومانی در زمینه‌های صنایع نفت و پتروشیمی، حفاری چاههای نفت، معدن شناسی و معدن بای، سدسازی، تبدیل تولیدات اتومبیل کارخانجات جنرال موتورز به تولید وانت بار و همچنین صدور مواد غذایی با ما همکاری کند و بجز نفت گالاهای دیگر ساخت ایران را نیز خریداری نماید.

یکی از دلایل اصلی بسط روابط با رومانی بنا به گفته آقای فتاحی معاون بازرگانی خارجی وزارت بازرگانی، همکاری رومانی با سیاست نه شرقی نه غربی ایران، بودن این کشور در

نمی‌توانیم بکنیم. در آخرین تحلیل این توده‌ها هستند که سرنوشت کار را معین می‌کنند. آیا ما قادریم تا ۴۰ روز دیگر به هدف یک میلیون تومان کمک برسیم؟ جواب را به شما خواننده متعهد رنجبر واگذار می‌کنیم.

کمک های مالی رسیده:		
آقای م	تهران	۵۲۰۰۰۰ ریال
هواداران حزب در	اتریش	۲۷۰۰۰ ریال
ع-د	شیراز	۱۵۰۰۰ ریال
خانم میترا (دانش آموز)	شیراز	۱۰۰۰۰ ریال
شهاب	تهران	۵۰۰ ریال
محمود (ب)	تهران	۲۰۰۰ ریال
ر-ف	تهران	۲۰۰۰ ریال
خانم (م)	اراک	۹۰۰ ریال
دانش آموزان و دانشجویان طرفدار حزب رنجبران ایران در مردم بعضی از محلات مشهد بصورت کمکهای نقدی و جنسی	مشهد	۱۰۲۰۱۰ ریال
گروهی از هواداران حزب در	بجنورد	۷۲۴۳۰ ریال
		۳۶۵۰۰ ریال

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

کمکهای خود را
به حساب بانکی زیرواریز نمایید: تهران - شعبه خیابان ایرانشهر
بانک ملی ایران
شماره حساب ۴۵۳۶۸

رفقای حزبی، هواداران رنجبران! مبارزه ما در جبهه مالی با مشکلات روبه‌روست. ۴۰ روز بیشتر به موعد مقرر برای جمع آوری یک میلیون تومان نمانده است. باید طبق یک برنامه‌ی دقیق و حساب شده به جنگ برای رفع این مشکل برخاست. هیچ مشکلی نیست که آسان نشود اما شرط دارد اولین شرط اراده‌ی ما برای از بین بردن مشکل است، باید مصمم شد این وظیفه مهم را به سرانجام رسانید. دومین شرط بسیج توده‌هاست. بدون توده‌ها ما هر قدر هم مصمم و با اراده باشیم گاری